

فرآیند بسیج در انقلاب مشروطه ایران

دکتر عباس کشاورز شکری*

احسان فرهادی**

تاریخ دریافت: ۸۹/۶/۲۸

تاریخ پذیرش: ۹۰/۲/۵

چکیده

هدف نوشتار حاضر بررسی چگونگی فرآیند بسیج گروه‌های متفاوت مدعی قدرت در انقلاب مشروطه است. نوآوری پژوهش آنست که با وجود مقاله‌ها و کتاب‌های بسیار درباره انقلاب مشروطه، تا به حال اثری به بررسی چگونگی فرآیند بسیج در مشروطه با استفاده از نظریه‌ای خاص نپرداخته است. رهیافت کلی این مقاله جامعه‌شناسی تاریخی و چارچوب نظری این مقاله، مدل بسیج چارلز تیلی است.

* . استادیار علوم سیاسی دانشگاه شاهد

** . کارشناس ارشد جامعه‌شناسی انقلاب اسلامی دانشگاه شاهد

روش پژوهش، تحلیل اسناد تاریخی شامل کتابها و مقاله‌ها و همچنین روش، قیاسی است. بدین معنا که با استفاده از مدل بسیج چارلز تیلی عناصر درون و برون سازمانی گروه‌های موثر بر کنش جمعی انقلابی در دوره مشروطه، با استفاده از اسناد تاریخی شناسایی و چگونگی بسیج گروه‌ها و سازمان‌های انقلابی مشروطه خواه بررسی می‌شود. بدین منظور و بر اساس مفاهیم سازنده مدل تیلی، منافع گروه‌های چالشگر انقلابی، سازمان‌های انقلابی، چگونگی فرایند بسیج منابع تحت اختیار آنها، وضعیت سرکوب - تهدید، فرصت - تسهیل و کنش جمعی مشروطه خواهان بررسی شده است. دوره زمانی مورد مطالعه از به چوب بستن تجارت قند به عنوان آغاز انقلاب و تا صدور فرمان مشروطیت به عنوان پیروزی انقلاب می‌باشد.

واژه‌های کلیدی: انقلاب مشروطه، نظریه بسیج منابع، چارلز

تیلی، گروه‌های چالشگر، کنش جمعی.

مقدمه

انقلاب مشروطه نقطه عطفی در تاریخ ایران معاصر به حساب می‌آید. با انقلاب مشروطه ایران، حکومت که برای سالیان متمادی به صورت استبدادی و تک نفره اداره می‌شد، مشروط شد و ایران برای اولین بار نهادهای مدرن حکومتی همچون مجلس قانونگذاری را تجربه کرد. هدف اصلی این مقاله بررسی فرآیند بسیج در انقلاب مشروطه است. با آنکه کتاب‌ها و مقاله‌های فراوانی متعددی درباره تاریخ معاصر ایران و انقلاب مشروطه نوشته شده است (ملک زاده، ۱۳۶۳؛ ناظم الاسلام کرمانی، ۱۳۴۶؛ کسروی، ۱۳۴۹؛ مومنی، ۱۳۷۲؛ کاتوزیان، ۱۳۷۹؛ رضوانی، ۱۳۶۲؛ ایوانوف، ۱۳۵۷؛ Afary, 1996؛ Abrahamian, 1982؛ Bayat, 1991؛ Browne, 1995؛ Foran, 1991) ولی هیچ

یک درباره روند بسیج انقلاب مشروطه بطور خاص و با عنوانی مستقل نگاشته نشده‌اند.

مشخص کردن روز یا حادثه‌ای به عنوان سرآغاز فرایند بسیج گری انقلابی مردم ایران در عصر مشروطیت، موضوعی بسیار چالش برانگیز است. موضوعی که به قول برینگتون در انقلاب‌های فرانسه، روسیه و چین هنوز مناقشه برانگیز بوده و حتی انقلابیون بر سر آن توافقی ندارند (برینگتون، ۱۳۷۰ : ۲۵). این اختلاف نظرها از آن جهت است که انقلاب پدیده‌ای چند بُعدی و تاریخی است (بنتام، ۱۹۹۲ : ۲۲۰). اما می‌توان آغاز مرحله بسیج را در انقلاب مشروطه به چوب بسته شدن (فلک کردن) تجار قند دانست. پس از به چوب بستن تجار در آذر ۱۲۸۴ش توسط حاکم تهران (علاء الدوله)، فرایند بسیج گروه‌های انقلابی (روشنفکران، روحانیون و بازاریان) در اعتراض به اوضاع اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی کشور در غالب کنش جمعی مهاجرت و تحسن آغاز شد. مرحله اول با وعده‌های دولت برای انجام خواسته‌های انقلابیون پایان یافت، اما پس از گذشت چند ماه تاخیر در اجراء شدن مطالبات انقلابیون، دومین مرحله از فرایند بسیج به شکلی گسترده تر از مرحله اول شروع شد و در نهایت قدرت سیاسی حکومت، در برابر قدرت اجتماعی مشروطه خواهان توان مقاومتش را از دست داد و در مرداد ۱۲۸۵ش با صدور فرمان مشروطه از سوی مظفرالدین شاه، بسیج انقلابی مشروطه خواهان به پیروزی رسید (کرمانی، ۱۳۴۶ : ۳۱۰ و کسروی، ۱۳۴۹ : ۱۱۸).

از منظر جامعه شناسی انقلاب برای شناخت فرایند بسیج چند هزار نفری مشروطه خواهان می‌توان به سه نوع تبیین یا تحلیل متوسل شد. نوع اول در پاسخ به پرسش چرایی شکل گیری بسیج انقلابی است؛ نوع دوم پاسخ به پرسش چگونگی شکل گیری یا فرایند بسیج انقلابی است؛ و نوع سوم، در پاسخ به سؤال از پیامدهای بسیج انقلابی است (گلدستون، ۱۳۸۵ : ۱۸-۱۵).

در مقاله حاضر با اتخاذ تحلیل یا تبیین دوم به سوال چگونگی شکل گیری فرایند بسیج انقلابی مشروطه خواهان پاسخ داده می شود. با وجود اینکه از این انقلاب، تاکنون تحلیل های گوناگونی ارائه شده است، اما آثار موجود در این زمینه بیشتر رویکردی روایی و تاریخی به موضوع داشته اند و سهم تحلیل های جامعه شناسانه در این میان بسیار اندک است. مقاله حاضر با اتخاذ مدل بسیج چارلز تیلی تلاشی است در جهت پر کردن بخشی از خلاء موجود در زمینه جامعه شناسی تاریخی ایران و به طور خاص، تحلیلی جامعه شناسانه از پیدایش یکی از مهم ترین سر فصل های تاریخ معاصر ایران، یعنی انقلاب مشروطه.

چارچوب نظری

چارلز تیلی در کتابش با عنوان «از بسیج تا انقلاب» طرح نظری اش درباره چگونگی شکل گیری فرایند کنش های جمعی را ارائه می دهد. وی آشکارا رهیافت خود در تبیین انقلاب ها را، رهیافت سیاسی اعلام می کند، اما در واقع رهیافت وی سیاسی - جامعه شناختی است (خرمشاد، ۱۳۸۳: ۹۲). به گفته تیلی نظام فکری اش به شدت ضد دورکیمی و قطعاً متأثر از مارکسیسم است که گاه با نظر نسبت به وبر می نگرند و گاه بر میل تکیه می کند (سمتی، ۱۳۷۵: ۵۲).

تیلی با ارائه دو مدل انتزاعی "جامعه سیاسی" و "بسیج"، چگونگی شکل گیری فرایند کنش های جمعی یک جامعه در وضعیت انقلابی را ترسیم می کند. الگوی جامعه سیاسی^۲ شامل اجزاء زیر است:

^۱. Mill

^۲. Polity Model

- ۱- جمعیت گروهی از مردم با ساختاری مشترک و عقایدی مشترک؛
- ۲- یک یا دو گروه مدعی؛^۱ گروه‌هایی که در دوره‌های خاصی منابع جمعی خود را در جهت نفوذ بر دولت به کار می‌برند؛
- ۳- حوزه سیاسی یا حکومت؛^۲ سازمانی است که ابزارهای اصلی کنترل اجبار را در ارتباط با جمعیت خاصی در دست خود متمرکز کرده است؛
- ۴- یک یا چند ائتلاف میان نیروهای مختلف؛^۳ ائتلاف توافق ویژه ای است که گروه‌های مدعی در یک مقطع زمانی برای دستیابی به منافع و منابعی بین خود صورت می‌دهند.

مدعیان خود به دو دسته تقسیم می‌شوند:

- ۱- مدعیان عضو؛^۴ مدعیان عضو، عضو دستگاه سیاسی هستند و دسترسی بی‌دردسر و کم هزینه به قدرت حاکم و منابع دولتی دارند؛
 - ۲- چالشگران؛^۵ چالشگران کاملاً بیرون از دستگاه سیاسی قرار دارند و دستیابی به منابع زیر سلطه دولت به سهولت برایشان مقدور نیست.
- مدعیان - اعم از گروه‌های عضو و چالشگران - برای پیشبرد خواسته‌های خود دست به ائتلاف با سایر گروه‌ها می‌زنند و سعی می‌کنند تا عمل جمعی خود را با سایر متحدین بالقوه هماهنگ سازند (تیلی، ۱۳۸۵: ۸۳-۸۱). در این مقاله به الگوی جامعه سیاسی پرداخته نمی‌شود، و بر اساس الگوی بسیج تیلی تلاش می‌شود تا رفتار هر یک از گروه‌های مدعی قدرت در انقلاب مشروطه بطور جداگانه بررسی شود.
- الگوی دوم تیلی برای توضیح عمل جمعی، الگوی بسیج (Mobilization Model) است. این الگو به منظور تبیین رفتار هر یک از گروه‌های مدعی، به طور جداگانه

^۱. Population

^۲. Contenders

^۳. Government

^۴. Coalition

^۵. Member Contenders

^۶. Challengers

طراحی شده است. متغیرهای این الگو که در باره هر گروه مدعی به طور جداگانه مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرند عبارتند از:

۱- منافع: امتیازات و محرومیت‌های مشترکی که ممکن است در اثر تعاملات مختلف با دیگر جمعیت‌ها حاصل شود؛

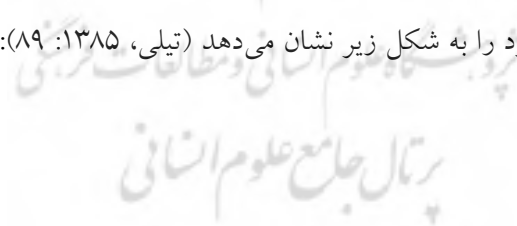
۲- سازمان: میزان هویت مشترک و نظام وحدت بخش افراد در درون یک جمعیت است و به عنوان فرآیند افزایش هویت مشترک محسوب می‌شود (می‌توان کاهش هویت مشترک و یا افول نظام وحدت بخش را سازمان پاشی نامید). هر چه اعضای گروه از هویتی یکپارچه تر برخوردار باشند و ساختارهایی که آنان را متحد می‌کند مستحکم تر باشند، آن گروه سازمان یافته تر محسوب می‌شود؛

۳- بسیج منابع: کوشش برای دستیابی به هر نوع منبعی که گروه مدعی، برای پیشبرد عمل جمعی خود ضروری بداند (می‌توان کاهش آن را بسیج زدایی نامید)؛

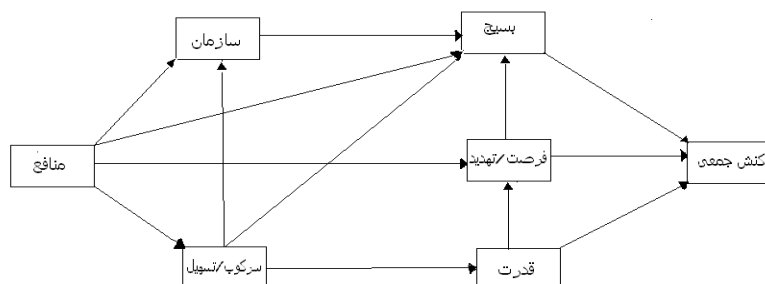
۴- عمل جمعی (یا کنش گروهی): با هم عمل کردن در تعقیب علایق مشترک، به عبارت دیگر عمل مشترک یک گروه مدعی در پی دستیابی به اهداف مشترک عمل جمعی خوانده می‌شود؛

۵- فرصت / تهدید: فرصت رابطه میان منافع جمعیت و وضع کنونی جهان اطراف است (تیلی، ۱۳۸۵: ۸۴-۸۳).

تیلی مدل بسیج خود را به شکل زیر نشان می‌دهد (تیلی، ۱۳۸۵: ۸۹):



مدل بسیج تیلی

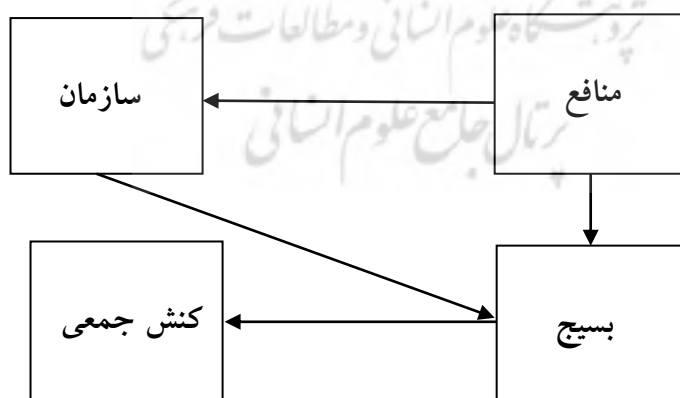


این مدل متشکل از دو بخش می باشد که در ذیل به توضیح آن می پردازیم:

۱- بخش اول مدل بسیج

بخش اول شامل سه متغیر منافع، سازمان و بسیج بوده که تیلی آن‌ها را عناصر درون گروهی موثر بر کنش جمعی می داند و شکل زیر نمایانگر این بخش از مدل می باشد.

عوامل موثر درون سازمانی



(تیلی، ۱۳۸۵: ۱۴۷)

در اینجا به شرح عناصر سازنده بخش اول مدل بسیج می‌پردازیم:

الف - سازمان و منافع

برای وجود آمدن سازمان فعال سیاسی باید اعضای سازمان یا بخشی از آنها به منافع سازمان آگاهی یابند و این آگاهی ایجاد شبکه‌ای از روابط نماید. هرچه آگاهی و تعهد اعضای یک گروه به منافع جمعی گروه بیشتر باشد، احتمال وجود آمدن سازمان بیشتر خواهد شد. اندازه و کیفیت سازمان، تعیین کننده اصلی توان بسیج آن سازمان است. هر چه سازماندهی با کیفیت تر و سازمان به لحاظ جغرافیایی سطح بزرگتری را شامل شود، توان بسیج آن هم بیشتر خواهد بود (پناهی، ۱۳۸۹: ۳۴۰-۴۲).

ب - بسیج منابع

بسیج منابع یعنی کوشش برای دستیابی به هر نوع منبعی که گروه مدعی، برای پیشبرد عمل جمعی خود ضروری بداند.

۱- انواع منابع

- ۱-۱- منابع اجبار آمیز: مانند سلاح، نیروی مسلح و فن آوری‌های کنترل کننده؛ این منابع ابزار تنبیه دیگر انسان‌ها و محدود ساختن بدیل‌های قابل دسترس برای آنهاست؛
- ۱-۲- منابع فایده‌مند: مانند کالا، خدمات اطلاع رسانی و پول؛ منابعی هستند که انسان‌ها دستیابی به آنها را حق خود می‌دانند؛
- ۱-۳- منابع هنجاری: مانند وفاداری‌ها و تکالیف؛ یعنی تعهدات اعضایی از جمعیت در قبال دیگر اعضای گروه، خود گروه و آرمان‌ها آن (تیلی، ۱۳۸۵: ۱۰۵؛ تیلور، ۱۳۸۸: ۱۲۴).

۲- انواع بسیج

بسیج منابع به این معناست که سازمان‌ها و گروه‌ها تلاش می‌کنند منابع یاد شده را هر چه بیشتر در اختیار خود گیرند. انواع بسیج از نظر تیلی عبارتند از:

۴-۱- بسیج تدافعی که تهدیدی از خارج، اعضای یک گروه را وادار می‌دارد که منابع خود را برای جنگ با دشمن گرد هم آورند تا منافع خود را حفظ نمایند. نمونه‌های این نوع بسیج شورش‌های مربوط به غذا، شورش‌های مالیاتی، تهاجم به کشتزارها و مقاومت در برابر لوایح قانونی است؛

۵-۱- بسیج تهاجمی که سازمان در واکنش به فرصت‌های پیش آمده به جمع‌آوری منابع می‌پردازد تا به منافع جدیدی دست یابد. نمونه بسیج تهاجمی، موفقیت موسسه کاتولیک اوکانل در گسترش اجباری حقوق کاتولیک‌های انگلیسی و ایرلندی است؛

۶-۱- بسیج تدارکاتی که سازمان با پیش‌بینی فرصت‌ها و تهدیدهای آینده به انباشت و ذخیره‌سازی منابع می‌پردازد. نمونه‌ای از نوع بسیج اتحادیه‌های کارگری قرن نوزدهم در اروپا بودند که برای ایام سختی (از قبیل بیکاری، درگذشت نان‌آور خانواده، و یا از میان رفتن دستمزد طی دوره اعتصاب) صندوق پولی را تدارک دیده بودند (تیلی، ۱۳۸۵: ۱۱۱-۱۱۳).

پ- کنش جمعی

توان گروه برای کنش جمعی بسته به میزان و مقدار منابعی است که بسیج کرده است. میزان کنش جمعی نیز تابعی است از:

۱- منافع مشترک یعنی مزیت‌ها و زیان‌هایی که ممکن است از تعامل با دیگر گروه‌ها حاصل آید؛

۲- شدت و قوت سازمان آن، یعنی میزان هویت مشترک و ساختار وحدت بخش در میان اعضای گروه؛

۳- بسیج منابع یعنی میزان منابعی که گروه در اختیار دارد (تیلی، ۱۳۸۵: ۱۲۸).

تیلی انقلاب‌ها را ذیل عنوان "خشونت جمعی" بررسی می‌کند. او در کتاب "قرن شورش" از سه نوع کنش جمعی اعتراضی در تاریخ جوامع اروپایی نام می‌برد:

۱- عمل جمعی اعتراضی رقابتی: این عمل زمانی صورت می‌گیرد که منابعی که مورد ادعای یک گروه است، همزمان مورد ادعای گروه‌های دیگر نیز باشد.

۲- عمل جمعی اعتراضی واکنشی: این عمل در واکنش به اقداماتی صورت می‌گیرد که از نظر یک گروه به منزله پایمال شدن حقوقشان در نظر گرفته می‌شود. مانند شورش‌های مالیاتی و شورش‌های علیه گرانی نان؛

۳- عمل جمعی اعتراضی نوخواهی: ادعاهایی از سوی یک گروه مطرح شود که قبلاً مطرح نبوده است. مانند مشروطه خواهی.

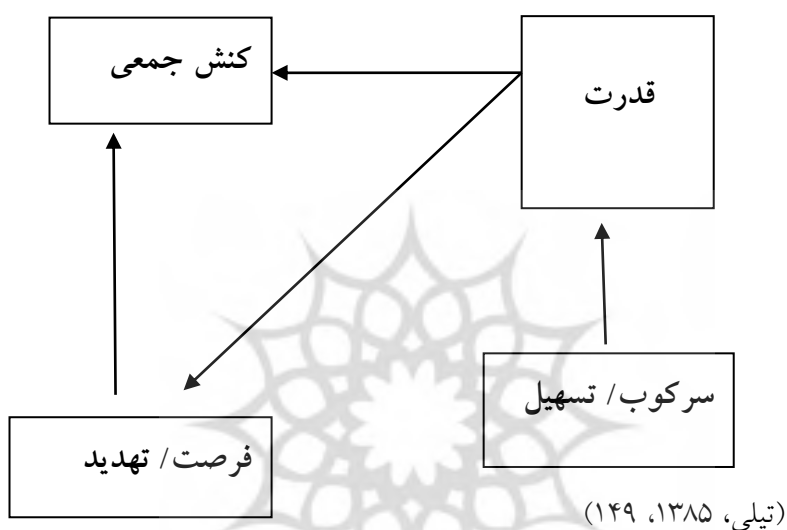
۲- بخش دوم مدل بسیج

متغیرهای بخش اول از مدل بسیج تیلی که شرح آن آمد به خودی خود به کنش انقلابی منجر نمی‌شوند. این مدل تنها ظرفیت موجود درون گروهی برای اقدام را نشان می‌دهد و به انگیزه یا فرصت آنی موجود برای اقدام نمی‌پردازد. آن دسته از انگیزه‌ها و فرصت‌ها جایگاه خود را در نیمه دیگر مدل بسیج و در مدل جامعه سیاسی می‌یابند. تیلی از عناصر سازنده نیمه دوم مدل که شامل عناصر سرکوب- تسهیل، قدرت و فرصت- تهدید می‌باشد به عنوان

۱. Competitive
۲. Reactive
۳. Proactive

عناصر برون گروهی موثر بر کنش جمعی نام می‌برد. شکل زیر نمایانگر وضعیت بخش دوم مدل بسیج است.

عوامل موثر برون سازمانی



در اینجا به شرح عناصر سازنده بخش دوم مدل بسیج می‌پردازیم:

الف- سرکوب و تسهیل

سازمان یا گروهی که سعی در انجام کنش جمعی دارد، ممکن است مورد سرکوب یا تسهیل گروه‌های دیگر مدعی قرار بگیرد. اگر آن گروه دیگر دولت باشد، سرکوب یا تسهیل را سرکوب یا تسهیل سیاسی می‌گویند. بنابراین «سرکوب، هر گونه کنشی توسط گروه دیگر است که هزینه کنش جمعی مدعی را افزایش می‌دهد و کنشی که هزینه کنش جمعی یک گروه را کاهش

دهد، شکلی از تسهیل است». نمونه‌های سرکوب، به خدمت فراخواندن اعتصاب کنندگان، ممنوعیت اجتماعات، و دستگیری رهبران و نمونه‌های تسهیل، قانونی کردن عضویت در یک سازمان، تامین هزینه‌های یک سازمان، و خنثی سازی فعالیت‌های دشمنان سازمان است (تیلی، ۱۳۸۵: ۱۴۹-۱۵۰).

ب- قدرت

تیلی تعریف قدرت را در ضمن یک مثال این گونه توضیح می‌دهد: فرض کنید چند حزب که دارای منافع‌اند با یکدیگر در تعامل هستند و منافع آنها با هم متعارض است. قدرت هر حزب «عبارت است از میزان غلبه یافتن منافع آن حزب بر دیگر احزابی که با آنها تعارض دارد» (تیلی، ۱۳۸۵: ۱۷۱). تیلی حکومت را در ذیل بحث قدرت این گونه تعریف می‌کند: «حکومت مهم ترین ابزار تمرکز یافته اجبار را در جمعیتی تعریف شده در اختیار دارد جامعه سیاسی مشخص ساختن مدعیانی است که دسترسی روزمره به حکومت دارند». به این ترتیب نیمه دوم مدل بسیج با مدل جامعه سیاسی پیوند دارد چرا که عواملی همچون دولت و یا دیگر مدعیان قدرت، عواملی برون گروهی یا برون سازمانی هستند و مدل جامعه سیاسی می‌تواند تعامل میان آنها را توضیح دهد (تیلی، ۱۳۸۵: ۱۷۴).

پ- فرصت و تهدید

فرصت عبارت از شرایطی است که در آن منافع گروه مدعی قدرت مفروض، در عین وجود منافع متعارض با آن، تحقق می‌یابد. تهدید عبارت است از وجود شرایطی که در آن با بودن ادعاهای سایر گروه‌های رقیب، امکان تحقق منافع گروه مفروض کاهش می‌یابد (تلی، ۱۳۸۵، ۱۹۶).

حال پس از روشن شدن تعاریف مفاهیم مدل نظری مورد استفاده و مشخص شدن ارتباط هر یک از آنها با یکدیگر، سعی می‌شود بر اساس مدل بسیج تیلی عناصر درون و برون سازمانی گروه‌های مدعی رقیب در انقلاب مشروطه شناسایی و چگونگی فرایند بسیج آنان مبتنی بر هر یک از این مفاهیم توضیح داده شود.

شناسایی عناصر بخش اول مدل بسیج در انقلاب مشروطه

سازمان، بسیج و کنش جمعی عناصر بخش اول مدل بسیج هستند که در اینجا تلاش می‌شود این عناصر در رابطه با انقلاب مشروطه شناسایی شوند.

منافع چالشگران انقلابی در انقلاب مشروطه

چارلز تیلی برای شناسایی منافع در بین جمعیت‌ها و گروه‌های متفاوت در یک کنش جمعی انقلابی دو گزینه را مشخص می‌کند:

۱- اظهارات و کنش‌های خود جمعیت.

۲- تحلیل کلی از روابط میان منافع و موقعیت‌های اجتماعی آنها» (تیلی، ۱۳۸۵:

۹۲).

قبل از آن که بر اساس دو گزینه یاد شده، منافع کوششگران جنبش انقلابی مشروطه در طول مبارزات انقلابی آنها تعیین شود، ابتدا باید گروه‌های متفاوت مشارکت کننده در این رخداد را شناخته و با توجه به موقعیت‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی هر گروه، منافع آنها را مشخص کرد.

گروه‌های مدعی

در اینجا بر اساس مدل بسیج چارلز تیلی گروه‌های مدعی قدرت در انقلاب مشروطه شناسایی می‌شوند. بر اساس نظریه تیلی این گروه‌ها، گروه‌ها

یا ائتلاف‌هایی هستند که در دوره‌های خاصی منابع جمعی خود را در جهت نفوذ بر دولت به کار می‌برند. انقلاب مشروطه ۱۲۸۵ شمسی با ائتلاف چندگانه ی نیروهایی آغاز شد که علمای دینی، اعضای رادیکال جمعیت‌های مخفی، اصلاح طلبان مذهبی و غیر مذهبی، فراماسون‌ها، تاجران عمدۀ و جزء، کسبه، محصلان و اصناف را در بر می‌گرفت (آفاری، ۱۳۷۹: ۴۲). از نظر ساختار اجتماعی، حامیان انقلاب تقریباً بیشتر علما و جامعه مذهبی، همه ی بازرگانان، دکان داران و صنعت کاران، کل تحصیل کردگان که بسیارشان تحصیلات دینی داشتند و بیشتر مردم عادی شهرنشین بودند که به شکل فعال و غیر فعال پشتیبان انقلاب بودند (کاتوزیان، ۱۳۸۰: ۶۰).

تکمیل همایون، انقلاب مشروطه را یک جنبش کاملاً شهری می‌داند و کوششگران این جنبش را شهرنشین‌ها به ویژه ساکنان شهرهای بزرگ و پایتخت می‌داند. وی در یک تقسیم بندی جامع، گروه‌های مختلف مشارکت کننده در این واقعه را در پنج دسته ی مجزا جای می‌دهد: « ۱- منورالفکران، با پیشینه‌ای در حدود پنجاه سال و دارای مشاغل دیوانی و فرهنگی، ۲- عالمان دینی با پیشینه‌ای بیش از هزارسال در دو بخش سنتی (گاه محافظه کارانه) و متجدد (گاه مشروطه خواه)، ۳- تاجران و بازرگانان با پیشینه‌ای بیش از هزار سال (ریشه دار و قدیمی) و بخشی از سرمایه داران اقتصاد نوین نیمه صنعتی (بیش و کم در پیوند با کانون‌های اقتصادی برون مرزی) و اکثریت آنان متأثر و هماهنگ با نهاد مذهب و عالمان دوگانه ی مذهبی (محافظه کار و اصلاح طلب). ۴- اصناف و کسبه با پیشینه‌ای بسیار کهن، زحمتکش و پر تلاش و به لحاظ اقتصادی در پیوند با تاجران و بازرگانان و به لحاظ عقیدتی مرتبط با نهاد مذهب، ۵- طلاب و محصلین با پیشینه ی فرهنگی قدیم و جدید، دسته اول (طلاب) بیشتر در پیوند با عالمان دینی (مجتهدان و مدرسان حوزه‌ها) و دسته دوم (محصلین) مرتبط با منورالفکران» (تکمیل همایون، ۱۳۸۳: ۲۱).

توده‌های ایلی و روستایی در جریان اولیه نهضت قرار نداشتند، اما ضد نهضت هم نبودند و بعضاً مشروطه خواهی را به نفع خود، منطقه خود و منطقه و کشور می‌دانستند و به دلیل هماهنگی با دیانت به آن دل بستگی نشان می‌دادند (تکمیل همایون، ۱۳۸۳: ۲۱). اما آن چه از مطالعه تمام اسناد و مدارک موجود بر می‌آید و بیشتر محققین متفق القول هستند، آن است که در جنبش مشروطه خواهی ایرانیان سه گروه عمده علما، تجار و روشنفکران نقش شایانی در پیروزی جنبش ایفاء نمودند. پس از روشن شدن گروه‌های متداخل در انقلاب سعی می‌شود منافع هر کدام از این گروه‌ها مخصوصاً سه گروه عمده یاد شده بر اساس مطالبات‌شان که بیانگر منافع آنان بوده بررسی شود.

شناسایی منافع مشروطه خواهان بر اساس اظهارات آنها

بر اساس نظریه تبلی منافع، امتیازات مشترکی است که ممکن است در اثر تعاملات مختلف با دیگر جمعیت‌ها حاصل شود. در اینجا تلاش می‌شود تا با مطالعه اسناد تاریخی به امتیازاتی که گروه‌های مدعی قدرت در مشروطه بدنبال آن بودند پی برده شود.

در پی واقعه چوب خوردن تجار به سبب گرانی قند از حاکم تهران در مورخ سه شنبه ۱۴ شوال ۱۳۲۳ هجری قمری، ۲۰ آذر ۱۲۸۴ شمسی، علما در پی دلجویی و تظلم خواهی تجار در چهارشنبه ۱۵ شوال یعنی فردای آن روز در مسجد جامع (شاه) جمع شدند (رضوانی، ۱۳۶۲: ۹۷). تجمع علما در مسجد جامع و حوادثی که در حین سخنرانی سید جمال الدین واعظ اتفاق افتاد، نهایتاً علمای تهران را به این تصمیم رساند که همگی به سمت حرم حضرت عبدالعظیم (ع) حرکت نمایند. علما به اتفاق طلاب و مردم در روز پنجشنبه شانزدهم شوال (۱۳ دسامبر ۱۹۰۵) همگی از شهر خارج شده و در

حرم حضرت عبدالعظیم (ع) به مدت یک ماه تمام بست نشستند و در تاریخ معاصر ایران این واقعه به هجرت صغری معروف است (رضوانی، ۱۳۶۲: ۱۰۱).

احمد کسروی مطالبات بست‌نشینان را هشت مورد بیان می‌کند: «۱- نبودن عسگر گاریچی در راه قم، ۲- بازگرداندن حاجی میرزا محمدرضا از رفسنجان به کرمان، ۳- بازگرداندن تولیت مدرسه خان مروی به حاجی شیخ مرتضی، ۴- بنیاد «عدالتخانه» در همه جای ایران، ۵- روان گردانیدن قانون اسلام به همگی مردم کشور، ۶- برداشتن مسیو نوز از سرگمرک و مالیه، ۷- برداشتن علاء الدوله از حکمرانی تهران، ۸- کم نکردن تومانی دهشاهی از مواجب و مستمری» (کسروی، ۱۳۴۹: ۶۷). دولت آبادی بر این موارد سه در خواست دیگر را هم اضافه می‌کند: «۱- امنیت دادن به همراهان ایشان [علما] بعد از آمدن آن‌ها به شهر، ۲- برداشتن قیمت تمبر دولتی از مستمریات روحانیون، ۳- تجلیل نمودن از میرزا محمدرضا یکی از علمای کرمان که از طرف حکومت کرمان به او بی‌احترامی شده است» (دولت آبادی، ۱۳۶۱: ۲۲).

مهم‌ترین خواسته‌های انقلابیون با مرور خواسته‌های آنها در اولین مرحله بسیج جنبش مشروطه به این شرح است: «۱- عزل نوز از سمت‌هایش در گمرکات و مالیه، ۲- عزل علاء الدوله حاکم تهران، ۳- تاسیس عدالت‌خانه» (آفاری، ۱۳۷۹: ۷۹). اولین دور مبارزاتی چالشگران در هجرت صغری، در نهایت در دی ماه ۱۲۸۴ ش / ذی‌قعدة ۱۳۲۳ ق / ژانویه ۱۹۰۶ م، با صدور فرمان تاسیس عدالت‌خانه برای پیاده سازی قوانین شریعت و تامین امنیت رعایا و علمای متحصن، با پیروزی چالشگران در برابر حکومت به پایان رسید (مارتین، ۱۳۸۲: ۷۰-۶۹).

پس از گذشت هشت ماه از اجراء نشدن درخواست‌های ملت، علما تصمیم گرفتند به قصد عزم عتبات هجرت کنند اما عملاً در قم متحصن شدند

که این اقدام آنها در تاریخ معاصر ایران به هجرت کبری مشهور است (دولت آبادی، ۱۳۶۱ : ۷۱-۷۰). انقلابیون در دومین دور مبارزاتی شان، طی یک روند تکاملی مطالبات جدیدی را از حکومت خواستار شدند: ۱- معاودت علمای مهاجرین به تهران، ۲- اطمینان به این که احدی را به بهانه نخواهند گرفت و شکنجه نخواهند داد، ۳- امنیت مملکت، چرا که امروز کسی دارای مال و جان خود نیست، ۴- افتتاح عدالت خانه که از طبقه علماء و تجار سایر اصناف برای رسیدگی در مرافعات شرکت داشته باشند، ۵- قاتل دو سید بزرگوار را قصاص نمایند (کسروی، ۱۳۴۹ : ۱۱۱-۱۱۰).

پس از تنظیم صورت درخواست‌های پنج گانه یاد شده و همچنین انتشار خبر آن در جامعه، مشروطه خواهان آخرین مطالبات خود را توسط نمایندگان شان به شرح زیر، راهی دربار نمودند: «۱- بازگشت علما و مهاجرین به تهران، ۲- عزل شاهزاده عین الدوله از صدارت، ۳- افتتاح مجلس شورای ملی، ۴- قصاص قاتلین شهدای وطن، ۵- تبعیدشدگان به تهران بازگردند» (ملک زاده، ۱۳۶۳ : ۳۷۶ و کسروی، ۱۳۴۹ : ۱۱۳-۱۱۲).

حال پس از ارائه تصویری از مطالبات مشروطه خواهان که منافع آنان را نشان می‌داد، منافع هریک از سه دسته اصلی بسیج در انقلاب مشروطه بر اساس موقعیت اجتماعی آنها و با تحلیل مطالبات هر گروه - که در پی تحقق منافعش بود - ارائه می‌شود.

منافع روشنفکران

جریان روشنفکری متأثر از اندیشه‌های لیبرالیسم، سکولاریسم و تجدد طلبی، پس از مشاهده اوضاع جامعه ایران، خواستار مطالباتی همچون «تجدید هویت و سنت‌های ملی ایرانی، منع دخالت روحانیون در سیاست، وضع نظام

قانون اساسی جدید به شیوه اروپا، تاسیس نهادهای سیاسی جدید بر اساس حاکمیت ملی و ایجاد مبانی دولت ملی مدرن» شدند (بشیریه، ۱۳۷۴: ۲۵۷) از دید روشنفکران، قدرت سیاسی و مذهب می‌بایست محل نقد و تغییر واقع می‌شدند (میرسپاسی، ۱۳۸۴: ۱۱۳). مهم‌ترین خواست و اساسی‌ترین مطالبه روشنفکران که در راستای منافعشان قرار داشت، مجلس شورای ملی یا مشروطه شدن نظام استبدادی قاجار بود. به نظر آنها استبداد به عنوان مشکله ایران در میدان سیاست و اجتماع بود و تنها راهی که بواسطه آن روشنفکران امکان حیات اجتماعی می‌یافته و منتفع می‌شدند مشروطه شدن نظام بود.

منافع تجار

نظر به خواسته‌های تقدیمی متحصنین در هجرت صغری به مظفرالدین شاه توسط شمس‌الدین بیگ سفیر عثمانی با وجود عدم مشارکت مستقیم آنان در عبدالعظیم، دو مطالبه «۱- عزل مسیو نوز بلژیکی و ۲- برکناری علاء الدوله، حاکم تهران» مستقیماً تأمین‌کننده منافع تجار بود (کسروی، ۱۳۴۹: ۶۷، آفاری، ۱۳۷۹: ۷۹). در دور دوم مبارزاتی مشروطه خواهان در بست نشینی سفارت بریتانیا، سه مطالبه «۱- امنیت و عفو عمومی کلیه پناهندگان به سفارت، ۲- نیامدن عین الدوله به تهران و ۳- گرفتن قبض‌ها و برات‌های دولتی از دارندگان و پرداخت پول آن‌ها به هر یک از طلبکاران» به طور مستقیم تأمین‌کننده منافع تجار و بازرگانان محسوب می‌شد (انصاری رنانی و کرمانی، ۱۳۸۰: ۳۲). در مورد خواسته اول از آن جا که بیشتر متحصنین تجار، اصناف و بازاری‌ها بودند این مطالبه نشان‌دهنده حمایت و پشتیبانی از اعضاء خود که بیشتر از اصناف‌اند و به سفارت انگلیس پناهنده شده بودند می‌باشد. درخواست دوم نشان‌دهنده قدرت تجار در مقابل دولت قاجاری و توانایی شان در عزل نخست‌وزیر بوده و درخواست سوم هم بیانگر گرفتن طلب‌ها و

قرض‌هایی است که دولت از باز پس دادن آن سرباز می‌زد» (رهبری، ۱۳۸۶: ۸۳).

علاوه بر موارد یاد شده که مستقیماً در راستای منافع آنان بود، تجار از محوری‌ترین خواسته جنبش یعنی مشروطه شدن نظام هم بی بهره نبوده و این مطالبه هم کاملاً در جهت منافعشان بود؛ چرا که نظام استبدادی و بی قانون قاجاری، تبعات منفی و متضررکننده‌ای برای آنان به بار آورده بود همچون: «یکم، مصادره اموال تجار بزرگ...دوم، مصادره بخش قابل ملاحظه‌ای از اموال درگذشتگان از سوی شاه، برخی از حکام و در مواردی از سوی برخی از روحانیون... سوم، خودداری حکام و عمال بلند پایه دیوانی از پرداخت قرضه‌هایی که از تجار دریافت می‌کردند... چهارم، خودداری از پرداخت بهای کالاهایی که از تجار خریداری می‌کردند... پنجم، غارت کاروان‌ها و بازارها که از سوی شاهزادگان و قشون دولتی بود... ششم، اخاذی از تجار به عناوین و بهانه‌های گوناگون مانند: پیشکش، تعارف و تامین مخارج قشون... هفتم، اعمال فشار بر تجار و بازاریان در برابر زورگیری‌های حکومت» (اشرف، ۱۳۵۹: ۴۰-۳۹).

منافع روحانیت

سومین گروه بسیج‌گر انقلابی که اتفاقاً مبتنی بر موقعیت اجتماعی قدرتمندش در راس جنبش قرار داشت، روحانیت و علمای دینی بودند (ایوانف، ۱۳۵۷: ۳۷). با نگاهی به خواسته‌های متحصنین در هجرت صغری - که بیشترین مشارکت‌کنندگان در آن روحانیون و طلاب مدارس دینی بودند - تا دیگر اقشار مردم - عمده مطالبات روحانیون شامل این موارد بود: «۱- بازگرداندن حاجی میرزا محمدرضا مجتهد از رفسنجان به کرمان، ۲-

بازگرداندن تولیت مدرسه خان مروی به حاج شیخ مرتضی، ۳- بنیاد عدالت خانه در همه جای ایران، ۴- روان گردانیدن قانون اسلام به همگی مردم کشور» (کسروی، ۱۳۴۹: ۶۷).

درمورد خواسته اول ناظم الاسلام شرح کاملی از اتفاقاتی ذیل عنوان «واقعه کرمان در سال ۱۳۲۳» آورده و می‌گوید (کرمانی، ۱۳۴۶: ۶۸) ظفر السلطنه که مقصر اصلی این پیشامد را حاجی محمدرضای مجتهد می‌دانست ابتدا وی را همراه با چند تن دیگر فلک کرد و سپس به رفسنجان تبعید نمود (بهشتی سرشت، ۱۳۸۰: ۱۲۲). علما در تحصن حرم حضرت عبدالعظیم به مناسبت دلجویی از حاجی محمدرضا و همچنین مقابله با توهینی که به روحانیت رفته بود، این خواسته را داشتند تا با خروج حاجی محمدرضا از تبعید، دوباره قدرت روحانیت را که خدشه دار شده بود را احیا کنند.

دومین خواسته بست نشینان در حرم حضرت عبدالعظیم، بازگردانیدن تولیت مدرسه خان مروی به حاجی شیخ مرتضی بود. پس از رفتن علما به حرم حضرت عبدالعظیم، عین الدوله به پاس خوش خدمتی روحانیون طرفدارش که به جرگه متحصنین نپیوسته بودند دست به اقداماتی زد. عین الدوله مدرسه خازن الملک و مدرسه خان مروی را که تولیتش با حاجی شیخ مرتضی بود را به دیگران داد. خازن الملک را به ملا محمد آملی و مدرسه خان مروی را به میرزا ابوالقاسم امام جمعه واگذار نمود. همچنین ابن بابویه که تولیتش با صدرالعلماء بود را به امام جمعه واگذار نمود (کرمانی، ۱۳۴۶: ۱۰۵ و ملک زاده، ۱۳۶۳: ۳۱۰).

سومین خواسته متحصنین یعنی برپایی عدالتخانه برای روحانیت مطالبه‌ای دو وجهی و متناقض بود، چرا که هم می‌توانست در راستای منافعشان باشد و هم برخلاف منافعشان عمل کند (کرمانی، ۱۳۴۶: ۲۵۷). آیت الله سید محمد طباطبایی هم این مطلب را می‌دانست. او در ملاقاتش با عین

الدوله می‌گوید: «این عدالت‌خانه که می‌خواهیم نخست زیانش به خود ما است، چه مردم آسوده باشند و ستم نبینند و دیگر از ما بی‌نیاز گردند و درهای خانه ما بسته شود. ولی چون عمر من و تو گذشته کاری کنید که نام نیکی از شما در جهان بماند، و در تاریخ بنویسند بنیادگذار مجلس و عدالتخانه عین‌الدوله بوده، و از تو این یادگار در ایران بماند» (کسروی، ۱۳۴۹: ۷۶ و ملک‌زاده، ۱۳۶۳: ۳۲۰).

البته با مجلس عدالتخانه یعنی برپایی دستگاه قضایی منظم در کشور، قدرت روحانیون خدشه دار نمی‌شد، چرا که از یک سو باتوجه به این که قوانین دستگاه قضاء از متون و قوانین اسلامی استخراج می‌شد و روحانیت هم تنها گروهی بودند که با این قوانین آشنایی کامل داشتند و توانایی انجام امر قضاء را هم داشتند، می‌توان چنین اظهار نظر کرد که تنها شکل قضاوت تغییر می‌کرد ولی ماهیت و متولیان آن فرقی نمی‌کردند.

در مورد خواست مشروطه خواهان روشنفکر یعنی برپایی مجلس شورای ملی نمی‌توان این مطالبه را در راستای خواست‌های روحانیت مشروعه خواه دانست، چرا که آنها در پی عدالتخانه بودند و نه مجلس شورای ملی که آموزه‌های غیر دینی مبنای قوانین آن باشد. آنچه مشخص است به دلایلی چون عدم حضور مستقیم علما و روحانیت در تهران و رهبری نهضت در این مقطع توسط جریان روشنفکری، مطالبه‌ای طرح گردید که در راستای تقاضاها و اهداف روحانیت نبود (کرمانی، ۱۳۴۶: ۳۲۱-۳۲۰).

محققین تاریخ معاصر ایران انگیزه‌های مختلفی را برای همراهی علما و روحانیون در مبارزات مشروطه بیان کرده‌اند. علمای ایرانی مشروطه خواه نجف طی تلگرافی مقاصد خود را از ورود به جنبش این گونه بیان می‌دارند: ما جز «حفظ بیضه اسلام و استقلال مملکت و بقای سلطنت شیعه و رفع ظلم و ترفیه حال عباد غرضی نداریم» (مومنی، ۱۳۷۲: ۲۵۴).

نتیجه کلی بحث منافع آن است که منافع سه گروه اصلی در گیر در انقلاب مشروطه یعنی روشنفکران، روحانیون و تجار درهم گره خورده بود. نکته مهم آن است که در برهه مشروطه‌این گروه‌های انقلابی از منافع خود، آگاهی پیدا کرده بودند و آنگاه که تلاش کردند بر اساس این منافع با یکدیگر پیوند برقرار نمایند، سازمان‌های انقلابی پدید آمدند.

سازمان‌های انقلابی در جنبش مشروطه

بنا به تعریف تیلی سازمان میزان هویت مشترک و نظام وحدت بخش افراد در درون یک جمعیت است و به عنوان فرآیند افزایش هویت مشترک محسوب می‌شود (تیلی، ۱۳۸۵: ۸۴-۸۳). برای بوجود آمدن سازمان فعال سیاسی باید اعضای سازمان یا بخشی از آنها به منافع سازمان آگاهی یابند و این آگاهی ایجاد شبکه‌ای از روابط نماید. هرچه آگاهی و تعهد اعضای یک گروه به منافع جمعی گروه بیشتر باشد، احتمال بوجود آمدن سازمان بیشتر خواهد شد (پناهی، ۱۳۸۹: ۳۴۰-۴۲).

آغاز فعالیت‌های سیاسی به صورت سازمانی در غالب احزاب و نهادها یا گروه‌های سازمان یافته در ایران، با سیر تحول انقلاب مشروطیت و تأسیس مجلس شورای ملی همبسته بوده است. دقیقاً همراه با پیروزی جنبش مشروطه برای نخستین بار احزاب یا نهادهای سیاسی به صورت رسمی به وجود آمده، شکل گرفته و با مرام و منش‌های خاص خود اقداماتی سازمانی برای رسیدن به مقاصدشان انجام دادند. بنابراین در مبارزات مشروطه احزابی چون اتفاق و ترقی ترکیه در ایران وجود نداشت تا رهبری انقلاب را به دست گیرد. تنها تعدادی انجمن‌های مخفی وجود داشتند که زمان پیدایی آنها به اواخر سلطنت ناصرالدین شاه و اوایل زمامداری مظفرالدین شاه باز می‌گشت (اتحادیه، ۱۳۶۱: ۵۳).

گرچه برخی از آن‌ها دارای مرام نامه و تشکیلات تا حدی منظم بودند اما نام یک سازمان یا تشکل سیاسی همچون نهادهای سیاسی مدرن را نمی‌توان بر آنان گذارد، زیرا این انجمن‌ها از ایدئولوژی خاصی پیروی نمی‌کردند (لمبتون، ۱۳۴۵: ۷۳). در دهه قبل از انقلاب مشروطه انواع جمعیت‌های سیاسی و فرهنگی در ایران تشکیل شد که ایده‌های اولیه اصلاحات و حکومت مشروطه برای اولین بار در این جمعیت‌ها مطرح شد. مدارس جدید، کتابخانه‌های عمومی و اتحادیه‌های تاجران نمونه‌هایی از این مجامع به شمار می‌روند (آفاری، ۱۳۷۹: ۶۳).

با توجه به تعریف تیلی از سازمان و اقدامات آن در یک کنش جمعی، در انقلاب مشروطه سه سازمان یا جمعیت شامل جامع آدمیت، انجمن ملی (کمیتة انقلابی) و انجمن مخفی تا حد زیادی به این تعریف نزدیکی زیاد دارند که به معرفی اجمالی هر یک از این مجامع و اقدامات انقلابی آنان در انقلاب مشروطه می‌پردازیم.

۱- جامع آدمیت

پس از کشته شدن ناصرالدین شاه در سال ۱۳۱۳ هـ.ق و کاسته شدن شدت استبداد در مملکت و با فراهم شدن فرصت برای فعالیت‌های آزادی خواهانه، این سازمان توسط عباسقلی خان آدمیت تأسیس شد (آدمیت، ۱۳۴۰: ۲۰۸). جامع آدمیت توسط یک هیئت مدیره دوازده نفری به نام امنای آدمیت اداره می‌شد. افراد این سازمان از منافع خود آگاه شده بودند و این آگاهی شبکه‌ای از روابط را بوجود آورد (پناهی، ۱۳۸۹: ۳۴۰-۴۲). این سازمان مخفی در تهران متشکل از چهار مجمع یا حوزه بود که آن‌ها را مجامع اربعه می‌نامیدند. در رأس هر یک از مجامع اربعه یک رئیس قرار داشت که هر یک

از رؤسا، خود از اعضای امنای دوازده گانه محسوب گشته و هر یک از اعضاء جامع با نام «اخوان» خوانده می شدند (آدمیت، ۱۳۴۰: ۲۱۸).

تعداد دقیق اعضای جامع آدمیت مشخص نیست، اما آدمیت «در اسناد و مدارک جامع آدمیت تعداد سیصد و ده تعهدنامه به دست آورده که [البته] عده اعضا بیش از این بوده است، چرا که تعهدنامه برخی کسان که خود ضمانت عضویت دیگران را کرده اند، یافت نشد. همچنین در مدارک مزبور به نام کسان دیگری برمی خوریم که تعهدنامه های آنان موجود نیست» (آدمیت، ۱۳۴۰: ۲۲۲). فهرست اسامی اعضای جامع حاکی از آن است که در آن افراد گوناگون با مشرب های فکری متفاوت اعم از چپ و راست انقلابی، محافظه کار، آزادی خواه مشروطه طلب و مستبد مطلق گرا، وجود داشته است (شیرالی، ۱۳۸۴: ۴۴-۴۵).

بنیان فلسفه سیاسی این جمعیت سیاسی بر سر مشروطیت، محدودیت قدرت سلطنت و انتقال قوای دولت بنا شده بود (آدمیت، ۱۳۴۰: ۲۴۷). آن چه از اسناد و مدارک برمی آید مسلک غیرانقلابی جامع است چرا که جامع برای تحقق اهداف سیاسی اش معتقد به انجام اعمال قهرآمیز نبود، زیرا هیئت رئیسه جامع بر این باور بودند که اقدامات تند و افراطی جریان آزادی خواهی را از مدار طبیعی خود منحرف خواهد ساخت (جوهری، ۱۳۸۰: ۸۷).

اقدامات سازمانی و تاریخ آغاز فعالیت ها جامع آدمیت در جریان انقلاب مشروطه به طور دقیق مشخص نیست؛ شاید سوری بودن این جمعیت، خود دلیل عمده ای برای روشن نبودن بسیاری از فعالیت های آن است. در تاریخ ۱۹ جمادی الاول ۱۳۲۴ ه. ق یعنی در آستانه پیروزی مشروطه خواهان، هنگامی که جمعی از مردم به رهبری سیدین سندن در مسجد جامع جمع شده بودند، عین الدوله دستور داد در صورت اجتماع مردم و متفرق نشدن، سپاهیان به آنان شلیک کرده و به هر قیمت مردم را از تجمع بازدارند (بیات، ۱۳۵۷: ۲۰۹).

ناظم الاسلام در خاطراتش ذیل همین تاریخ اقدام جامع آدمیت و مخصوصاً شخص عباسقلی خان رهبر جامع را که بسیار کارگشا بود اینگونه شرح می‌دهد: «...میرزا عباسقلی خان قزوینی که مدیر انجمن مخفی آدمیت بود، شنید سربازها را عوض نموده‌اند و آن‌ها را امر نموده‌اند به قتل و غارت، لذا در ساعت سه از شب گذشته، خود را رسانید در قراول خانه پای قاپوق، که صاحب منصب‌ها در آن جا جمع بودند و بر آن‌ها وارد شد و تا ساعت پنج از شب گذشته مشغول نصیحت و اندرز آن‌ها بود... به این جهت مردم در آن دو روز دسته دسته در بازار و خیابان و سبزه میدان و حتی تا نزدیک ارگ هم رفته؛ و احدی متعرض نشد» (کرمانی، ۱۳۴۶: ۲۴۴-۲۴۳). به این ترتیب اقدام سازمان در مقابل بسیج منابع اجبار آن بوده است که ضد بسیج کرده و جلوی نظامیان را در انجام اقدامات اجبار آمیز و سرکوبگرانه گرفته است.

از دیگر اقدامات جامع آدمیت نامه عباسقلی خان - دبیر کل جامع - به مظفرالدین شاه است. لحن صریح و قاطع عباسقلی خان در این نامه بیانگر نفوذ و قدرت سیاسی جامع آدمیت است. میرزا عباسقلی خان آدمیت خطاب به شاه می‌نویسد: «حقوق ملت و دایع خداست و تأخیر و تعطیل آن بیش از این جایز نیست ... و واجب است که اذعان صریح به حقوق قاطبه ملت ایران بفرمایند و دستخط مختاریت عامه و تاسیس مجلس شورای ملی را صادر فرمایند» (رائین، ۱۳۴۵: ۵۸).

۲- انجمن ملی (کمیته انقلابی)

انجمن ملی یکی دیگر از جمعیت‌های سری انقلابی است که فعالیت‌های خود را در ربیع الاول ۱۳۲۲ ق، اردیبهشت ۱۲۸۳ ش، می ۱۹۰۴ م آغاز نمود. جمعی از روشنفکران پایتخت در روز دوازدهم ربیع الاول ۱۳۲۲ ق اولین جلسه گردهمایی یا معارفه اعضای انجمن ملی را برگزار نمودند. اجتماع

شصت نفره دعوت شدگان به این جلسه، در باغ میرزا سلیمان خان میکده در خیابان گمرک به بهانه بسط معارف و تکمیل کتابخانه ملی دور هم جمع شده و سوگند خوردند در راه به دست آوردن قانون و عدالت و برهم زدن دستگاه ظلم و بیدادگری یک دل و یک جان کوشش نمایند (ملک زاده، ۱۳۶۳: ۲۴۰-۲۳۷). به این ترتیب ارکان مقوم سازمان شامل آگاهی و ایجاد شبکه‌ای از روابط حاصل آمد.

بعد از مراسم سوگند و پس از رد و بدل شدن بیاناتی بین اعضا، قطعنامه‌ای در هیجده ماده تنظیم شده و به تصویب می‌رسد. آن‌ها در این قطعنامه خواهان بهره برداری از حسادت‌های شخصی و رقابت‌های سیاسی درباریان، وزرا و رهبران مذهبی و پشتیبانی از افراد کمتر محافظه کار در مقابل محافظه کاران افراطی می‌شوند. همچنین در این قطعنامه ارتباط با رهبران مذهبی روشنفکر، پرهیز از فعالیت‌های غیراسلامی به منظور کاستن از شک و تردید علما مد نظر قرار می‌گیرد (ملک زاده، ۱۳۶۳: ۲۴۱). انجمن اصل مدارا را به عنوان یکی از اهداف اساسی پذیرفته و بهره‌گیری از وعظ و سخنرانی، روزنامه، اعلامیه و ترجمه برای نشر اصول و مفاهیم دموکراسی مشروطه در بین مردم ایران را به عنوان شیوه مبارزه بر می‌گزیند (آبراهامیان، ۱۳۷۷: ۱۰۰).

ذکر این نکته ضروری است که کمیته انقلاب، سازمانی مجزا از انجمن ملی نبوده، بلکه کمیته انقلابی در واقع هسته رهبری انجمن و مسئولیت سرپرستی و تصمیم‌گیری‌های آن را عهده دار بود. در داخل این کمیته ۹ نفره، هیأت کوچکتر ۵ نفره‌ای انتخاب شده بود که علاوه بر ملک المتکلمین سید جمال الدین واعظ، حاج میرزا یحیی دولت‌آبادی، علی قلی خان سردار اسعد بختیاری، یحیی میرزا و سلیمان میرزا اسکندری از اعضای آن بودند (اتحادیه، ۱۳۶۱: ۶۲ و آبراهامیان، ۱۳۷۷: ۱۰۱). انجمن ملی که نبض نهضت انقلابی در

تهران به شمار می‌رفت در مبارزاتش بسیار هوشمندانه عمل می‌کرد (آفاری، ۱۳۷۹: ۹۸).

مجموعه فعالیت‌هایی که از سوی این سازمان در طول مبارزاتش برای مشروطه شدن نظام استبدادی صورت پذیرفت به شرح ذیل است و در ذیل بسیج منابع هنجاری یعنی گردآوری وفاداری‌ها و تعهدات دیگر گروه‌ها قرار می‌گیرد: ۱- اعزام نماینده به عتبات. این تصمیم در راستای اهداف زیر صورت گرفته شده است: الف: روشن ساختن فساد در دستگاه حاکمه و مخاطراتی که به سبب آن گریبانگیر کشور بود؛ ب: جلب حمایت و توجه روحانیون و علمای عتبات نسبت به اهداف انجمن از جمله لزوم ایجاد یک تحول اساسی و روی کار آوردن دستگاهی که متکی به قانون و عدالت باشد (ملک زاده، ۱۳۶۳: ۲۴۵-۲۴۴)؛ ۲- ایجاد همکاری میان سید عبدالله بهبهانی و سید محمد طباطبایی (ملک زاده، ۱۳۶۳: ۲۵۱)؛ ۳- جلب همکاری تجار با انقلاب مشروطیت در جهت اهداف نهضت (ملک زاده، ۱۳۶۳: ۲۵۴)؛ ۴- به میان کشاندن پای سفیر کبیر عثمانی در جهت تحقق اهداف متحصنین حرم حضرت عبدالعظیم در هجرت صغری (ملک زاده، ۱۳۶۳: ۲۵۶ و کسروی، ۱۳۴۹: ۶۷ و دولت آبادی، ۱۳۶۱: ۱۹-۱۸)؛ ۵- دخالت مستقیم اعضای انجمن در طرح و تنظیم درخواست‌ها در تحصن حرم حضرت عبدالعظیم به طوری که ملک زاده و دولت آبادی که از سران انجمن ملی بودند مدعی‌اند که دو اقدام در حرم حضرت عبدالعظیم از سوی انجمن ملی انجام گرفت: الف- تلاش در جهت دامن زدن به اختلافات میان عین الدوله و متحصنین و طولانی ساختن زمان تحصن جهت بهره‌داری بیشتر انقلابیون از اوضاع؛ ب- فعالیت اعضای انجمن در جهت گنجاندن تقاضای تأسیس عدالتخانه در ضمن اعلام درخواست‌هایشان از مظفرالدین شاه (ملک زاده، ۱۳۶۳: ۳۰۱-۲۸۷ و دولت آبادی، ۱۳۶۱: ۲۴-۱۹)؛ ۶- تامین هزینه‌ها و مخارج متحصنین در حرم

حضرت عبدالعظیم که به این ترتیب تامین هزینه‌ها بر اساس بسیج منابع فایده‌مند، یعنی پول و کالا انجام پذیرفت؛ (شیرالی، ۱۳۸۴: ۹۶ و کسروی، ۱۳۴۹: ۵۶۶ و ملک زاده، ۱۳۶۳: ۲۶۰-۲۵۹ و ۲۸۸ و ۲۹۴)؛ ۷- چاپ و نشر اعلامیه و شب نامه میان مردم (ملک زاده، ۱۳۶۳: ۲۴۲ و ۲۹۱).

۳- انجمن مخفی

براساس نوشته‌های ناظم الاسلام کرمانی اندیشه ایجاد انجمن مخفی توسط میرزا سید محمد طباطبایی انجام می‌گیرد (کرمانی، ۱۳۴۶: ۳). اولین جلسه انجمن در پنجشنبه ۱۸ ذی الحجه سال ۱۳۲۲ در روز عید غدیر تشکیل می‌شود (کرمانی، ۱۳۴۶: ۲۵). در واقع انجمن مخفی سازمانی روحانی بود، مؤسسين اصلی آن همانند ناظم الاسلام کرمانی، ذوالریاستین، خلخالی، ادیب اصفهانی و شیخ محمد شیرازی روحانیون میانه رویی بودند که به توصیه و حمایت میرزای طباطبایی مبادرت به تشکیل این انجمن کرده بودند (جواهری، ۱۳۸۰: ۹۴-۹۵). اقدامات انجمن مخفی با «هدف برانداختن بی عدالتی؛ خواه از طریق جمهوری و خواه در پرتو مشروطه» در چندین بخش و زمینه‌های متنوع انجام می‌گرفت (اتحادیه، ۱۳۶۱: ۶۱). به طور کلی فعالیت‌ها و عملکردهای انجمن مخفی در ذیل بسیج منابع هنجاری قرار می‌گیرد.

برای بسیج منابع هنجاری انجمن سعی می‌کرد وفاداری سایر مردم را جلب نماید از این رو به تبلیغات و فرستادن مبلغ پرداخت. فعالیت‌های تبلیغی که در واقع حجم وسیعی از اقدامات انجمن مخفی را در بر می‌گرفت، مجموعه عملکردهای انجمن در مراحل آغازین فعالیتش بود. اعضای اولیه انجمن سعی در جذب افراد از تمام طبقات و به خصوص اشخاص ذی نفوذی که گرایش‌های آزادی خواهانه داشتند می‌نمودند (کرمانی، ۱۳۴۶: ۲۵). فعالیت‌های تبلیغی به تهران محدود نبود و پس از مدتی انجمن درصدد

گسترش فعالیت‌های خود در خارج از تهران به خصوص در میان ایالات برآمد. ناظم الاسلام در این باره می‌گوید، در جلسه‌ای مورخ ۱۶ ربیع الاول، ۱۳۲۴ ق، مذاکرات اعضاء در این باره صورت گرفت که «باید داعی به ایالات فرستاد و سرداران ایران از قبیل سردار ارفع ظفرالسلطنه و حاج علی قلی خان سردار اسعد و امیر افخم و سایر سرداران بختیاری و سرداران قشقایی و ایل شاهسون و غیرها را با خود کنیم» (کرمانی، ۱۳۴۶: ۱۸۱).

بنا به ادعای ناظم الاسلام ایجاد پیوند میان میرزای طباطبایی و سید عبدالله بهبهانی در جریان نهضت مشروطه در نتیجه تلاش و عملکرد اعضاء انجمن مخفی بوده است (کرمانی، ۱۳۴۶: ۳۲). البته ملک زاده هم مدعی است که این عمل در اثر تلاش‌های انجمن ملی (کمیته انقلاب) محقق گردید (ملک زاده، ۱۳۶۳: ۲۵۱).

اما انجمن به بسیج منابع فایده مند نیز پرداخته است. ناظم الاسلام در این باره می‌گوید، در جلسه‌ای مورخ ۱۶ ربیع الاول، ۱۳۲۴ ق، مذاکرات اعضاء در این باره صورت گرفت که «باید داعی به ایالات فرستاد و... و نیز تجارتخانه‌های معتبر از قبیل جمشیدیان و جهانیان و غیره را با خود متحد کنیم [بسیج منابع فایده مند] که در موقع مفید افتد» (کرمانی، ۱۳۴۶: ۱۸۱).

کنش جمعی در انقلاب مشروطه

سلسله‌ای از حوادث یا رخدادها درست در دو سال قبل از اعطای فرمان مشروطیت، مستمسک‌هایی در اختیار گروه‌های مخالف حکومت قاجاریه قرار داد تا با توسل به آن‌ها، به بسیج منابع پردازند. اقدام شاهزاده ظفرالسلطنه در پی درگیری‌های دو فرقه شیخیه و متشرعه در کرمان که نهایتاً منجر به دستگیری، شلاق زدن و تبعید حاجی میرزا محمد رضا مجتهد شد (دولت آبادی، ۱۳۶۱: ۶۶)؛ اقدامات سختگیرانه شاهزاده شعاع السلطنه در فارس،

واگذاری زمین قبرستان و مدرسه چال تهران به کارگزاران دولت روسیه برای احداث عمارت بانک استقراضی روس (کسروی، ۱۳۴۹: ۵۸-۵۴)؛ بی توجهی حکومت به اعتراضات گروهی از تجار در سیاست‌های اقتصادی نوز بلژیکی که به تحصن آنان در زاویه عبدالعظیم (ع) انجامید و همچنین بی احترامی نوز به روحانیت (شریف کاشانی، ۱۳۶۲: ۲۰ و کسروی، ۱۳۴۹: ۵۲-۵۱) رویدادهایی بود که به افزایش هیجان عمومی برضد دولت و ائتلاف گسترده گروه‌های مخالف دربار، به ویژه گروه‌هایی از تجار، روشنفکران و روحانیون به رهبری آیت الله بهبهانی و آیت الله طباطبایی انجامید (آجودانی، ۱۳۸۲: ۶۶). در سراسر حکومت قاجاریه تا قبل از انقلاب، جامعه استبداد زده ایران شاهد حوادث خرد و درشت ظالمانه بود اما هیچ کدام از آن وقایع سازنده واکنشی توده‌ای و عمومی به‌اندازه مقطع مشروطیت نبود، تنها در این برهه تاریخی جامعه ایران در پی رخداد‌های گوناگون و انباشت تجربیات تاریخی به یک جمع بندی رسیده، اولویت‌های خود را شناخته و تمامی منابع خود را در راستای رسیدن به مطالباتش بسیج گردانید و دست به کنش جمعی اعتراضی زد (تقوی، ۱۳۸۴: ۵۳-۵۲).

کنش جمعی اعتراضی در انقلاب مشروطه طی دو مرحله انجام گرفت. مرحله اول کنش جمعی در قالب هجرت و بست نشینی یک ماهه در حرم حضرت عبدالعظیم (ع) که به هجرت صغری مشهور است و مرحله دوم در قالب مهاجرت علما به قم که هجرت کبری خوانده می‌شود و تحصن ملت در سفارت انگلیس.

مرحله اول کنش جمعی: هجرت و بست نشینی در حرم

حضرت عبدالعظیم (ع)

انقلابیون در مرحله اول کنش جمعی اعتراضی خود با استفاده از فرصت خلاء قدرت استبدادی ناصرالدین شاه و به بهانه به چوب بستن تجار محترم قند، در ابتدا دست به عمل جمعی واکنشی (این عمل در واکنش به اقداماتی صورت می‌گیرد که از نظر یک گروه به منزله پایمال شدن حقوقشان در نظر گرفته می‌شود) به صورت تجمع در مسجد شاه و هجرت و بست نشینی کردند و سپس خواست‌های نوآورانه خود را مبنی بر درخواست عدالتخانه مطرح کردند. این عمل جمعی به زبان تیلی در زمره عمل جمعی اعتراضی نوخواهانه قرار می‌گیرد یعنی انقلابیون خواست جدیدی را مطرح ساختند که قبلاً مطرح نبوده است.

افزایش یکباره ۴۰ درصدی قند و شکر در تهران موجب می‌شود تا علاءالدوله جمعی از تجار قند که این کالا در انحصارشان بود را در روز دوشنبه بیستم آذر ماه ۱۲۸۴ فراخوانده و جویای وضعیت پیش آمده شود (ملک زاده، ۱۳۶۳: ۲۶۳). سیدهاشم قندی علت گرانی را بالا رفتن قیمت قند در روسیه می‌داند و در پاسخ به علاءالدوله که از آنان خواسته بود التزام بدهند و قیمت قند را همچون سابق گردانند، درخواست وی را پذیرفته و می‌گوید «من چنین خسارتی را متقبل نمی‌شوم، من فقط ۱۰۰ صندوق قند موجود دارم و آن را تقدیم حضرت عالی می‌کنم و دست از تجارت برمی‌کشم» (ملک زاده، ۱۳۶۳: ۲۶۵).

در میان این گفتگوها یکی دیگر از تجار قند به نام حاج سید اسماعیل خان بدون تعظیم و تنها با سلام وارد می‌شود. علاءالدوله که منتظر فرصتی برای تنبیه آنان است این بی‌حرمتی را تاب نمی‌آورد و دستور می‌دهد هر دوی آنها را به فلک بسته و حسابی آنها را چوب بزنند (کسروی، ۱۳۴۹: ۵۹). این حادثه در نزد تجار که تا به حال چنین توهینی به آنها نشده بود بسیار گران

افتاد. آن‌ها در مقام چاره جویی به سراغ تنها مرجع حمایتشان یعنی علما رفته تا منابع خود را برای مبارزه با حکومت بسیج نمایند (ترابی، ۱۳۸۴: ۱۰۶).

از یک سو علمای تهران به استمداد تجار شتافته و از سوی دیگر روشنفکران که علیه نظم موجود فعالیت‌های مخفیانه‌ای شروع نموده بودند پس از آگاهی از پیشامد تنبیه، فرصت را مغتنم شمرده و همگی شان بدلیل ظلم به تجار در مسجد جامع تجمع نمودند (ملک زاده، ۱۳۶۳: ۲۶۷). البته گردهمایی در مسجد شاه بیانگر تحولی بنیادین در مطالبات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مردم بود و این تحول را نمی‌توان صرفاً ناشی از غلیان احساسات سطحی نسبت به تنبیه چند تن از مردم دانست (تقوی، ۱۳۸۴: ۵۴). با نقشه‌ای از پیش طراحی شده و اشاره امام جمعه درباری تهران به چماقداران در اثنای سخنرانی سیدجمال‌الدین واعظ، به تجمع مردمی حمله و جماعت متفرق می‌شوند (کسروی، ۱۳۴۹: ۶۰-۵۸). علما برای مقابله با این رفتار تحقیرآمیز حکومت، تصمیم به خروج از تهران گرفته و در روز چهارشنبه ۲۲ آذر ۱۲۸۴ ش‌کنش جمعی خود را به شکل مهاجرت و بست نشینی آغاز نموده و همگی رهسپار حرم حضرت عبدالعظیم می‌شوند (ملک زاده، ۱۳۶۳: ۲۷۱ و کسروی، ۱۳۴۹: ۶۴ و کرمانی، ۱۳۶۴: ۱۰۳).

پس از خروج علما از تهران هسته انقلابی شهر، به بسیج منابع پرداخته و فرآیند بسیج گری علیه حکومت علنی می‌شود. «... روز سوم [پس از] واقعه مسجد شاه، آقا سید محمد رضای مساوات که تازه از بادکوبه به طهران برگشته و جنگ مسلمین و آرامنه را مشاهده نموده بود - ایرانیان در آن جا حزبی برای آزادی ایران تشکیل داده و مساوات را نیز در آن حزب دعوت کرده بودند - با یک حرارت فوق العاده وارد مدرسه صدر گردید و عده‌ای از طلاب مبارز آن جا را با خود همراه و به حرم حضرت عبدالعظیم (ع) و آقایان ملحق گردیدند و روز بعد بیشتر طلاب مدرسه مروی و سایر مدارس به آقایان ملحق شدند...»

(کاتوزیان، ۱۳۷۹: ۱۵۴). به این ترتیب نیروهای انقلابی به بسیج منابع هنجاری - یعنی جلب وفاداری‌ها و تکالیف و تعهدات اعضایی از جمعیت در قبال دیگر اعضای گروه انقلابی - پرداختند.

ناظم الاسلام درباره جلب وفاداری گروه‌های حاضر و هم چنین تعداد نفرات توده‌های بسیج در اولین مرحله کنش جمعی می‌نویسد: «...سایر مدارس و طلاب که دیدند این دو مدرسه [صدر و دارالشفاء] با آن خصوصیت و بستگی به امام جمعه این گونه فتوت نموده و برای تحصیل حریت و آزادی از جان خود گذشته، آن‌ها هم درس‌ها را تعطیل کرده، از اهل منبر هم عده زیادی به آقایان ملحق شدند، لکن از طایفه تجار معدودی رفتند و بیشتر در خانه‌های خود چپیده و یا به گوشه‌ای خزیدند و مجماً در اندک زمانی، متجاوز از دو هزار نفر جمعیت از علما، سادات، طلاب و اهل منبر در زاویه مقدسه جمع شدند» (کرمانی، ۱۳۴۶: ۱۰۴).

اولین مرحله کنش جمعی انقلابیون به شکل تحصن یک ماهه و طرح خواسته‌هایی از سوی آنها، در نهایت با صدور فرمانی مبتنی بر پذیرش مطالبات متحصنین پایان یافته و در ۲۲ دی ۱۲۸۴ / ۱۶ ذی‌قعدة ۱۳۲۳ / ۱۲ ژانویه ۱۹۰۶] بست نشینان با به دست آوردن این پیروزی به کنش جمعی‌شان خاتمه می‌دهند (کرمانی، ۱۳۴۶: ۱۲۳).

مرحله دوم کنش جمعی: هجرت به قم و تحصن در

سفارتخانه انگلیس

چند ماهی سپری می‌شود و تنها خواسته‌ای که عملی می‌شود، عزل علاء الدوله و جایگزینی نیرالدوله به جای اوست (ملک زاده، ۱۳۶۳: ۳۱۰). « بالجمله به واسطه تاخیر مجلس عدالت، زمزمه سخت بر ضد آقایان مهاجرین

بلند و در هر مجلس و محفلی تنقید نموده و ضمناً شب نامه‌هایی ژلاتینی بر علیه آقایان نوشته و منتشر می‌ساختند. لهذا آقایان مزبور به محض تبرئه ذمه خود از تهمت‌هایی که به آنان می‌زدند، شروع به مذاکره و مقاوله و مکاتبه با عین الدوله نموده و مطالبه مجلس عدالت می‌نمودند و نیز عریضه به مظفرالدین شاه نوشته و در انجام مقاصد جدیدی به خرج دادند (کاتوزیان، ۱۳۷۹: ۱۶۵).

در همین ایام کشته شدن طلبه جوانی به نام سید عبدالحمید که طی درگیری برای آزاد نمودن شیخ محمد واعظ مداخله نموده بود حادثه‌ای شد تا ملت منتظر فرصت برای مبارزه علیه حکومت، منابع خود را برای کنش جمعی دوباره‌ای بسیج نمایند.

بنا به گزارش ملک زاده در حدود بیست هزار نفر به خونخواهی عبدالحمید در مسجد جامع اجتماع نموده و به مدت سه روز تحت رهبری علما مطالبات خود را از حکومت خواستار شدند (ملک زاده، ۱۳۶۳: ۳۵۸). در این مرحله از مبارزات بود که علاوه بر علما و روحانیون مبارز در مرحله اول، شیخ فضل الله نوری هم به جمع مخالفین دولت پیوست و با حضورش توان بسیج گری ملت مضاعف شد (کرمانی، ۱۳۴۶: ۲۶۶).

در این گردهمایی عظیم که ملت همچنان بر روی مطالباتش پافشاری می‌نمود دولت هم در مقابل از هر ابزار و راهی در راستای متفرق کردن مردم از مسجد و سرکوب نهضت دریغ نمی‌ورزید. علما در پیامی به دولت گفتند: «یا عدالتخانه را بر پا کنید، یا ما را بکشید و به دیگران کاری ندارید، [نداشته باشید] و یا به ما راه دهید از شهر بیرون رویم» (کسروی، ۱۳۴۹: ۱۰۶ و کرمانی، ۱۳۴۶: ۲۵۱ و ملک زاده، ۱۳۶۳: ۳۶۰).

عین الدوله که از پیشنهاد سوم آقایان متحیر و خوشحال شده بود و خیال می‌کرد با رفتن علما از تهران کار به نفع وی به پایان می‌رسد، پیشنهاد سوم را

پذیرفت و طی دست خطی از طرف شاه به رؤسای نهضت ابلاغ کرد: «آقایان آزادند که به هر جا می‌خواهند بروند» (ملک زاده، ۱۳۶۳: ۳۶۱). جمع کثیری از علما و طلاب به رهبری طباطبایی و بهبهانی در روز دوشنبه ۲۳ جمادی الاول ۱۳۲۴ از تهران خارج شده و پس از یک شب توقف در ابن بابویه رهسپار قم شدند. برخی از علما همچون حاج شیخ فضل الله، حاج علی اکبر همان روز همراه علما نرفته و پس از گذشت دو روز به سایرین در کهریزک پیوستند (کسروی، ۱۳۴۹: ۱۰۷-۱۰۶ و کرمانی، ۱۳۴۶: ۲۶۱). به این ترتیب بار دیگر عمل جمعی واکنشی از سوی انقلابیون شکل گرفت.

کسروی درباره تعداد مهاجرین می‌نویسد: «روی هم رفته هزار تن کمابیش می‌بودند، و چون کم کم راه می‌پیمودند روز سی ام تیر به قم رسیدند و با آنکه به نام عتبات بیرون رفته بودند در آنجا رخت بگشادند و نشیمن گرفتند» (کسروی، ۱۳۴۹: ۱۰۷). پس از خالی شدن تهران از وجود علما، هسته‌های بسیج گر انقلابی (روشنفکران و بازاریان) که پایگاه حمایتی‌شان در مقابل تعدی گری‌های حکومت مستبد را از دست رفته می‌دیدند «در فکر تأمینی افتادند که در آن جا پناه جویند و خودشان را از مخاطرات جانی و مالی خلاص کنند، به ناچار به سفارت انگلیس پناهنده شدند» (محیط مافی، ۱۳۶۳: ۱۰۲).

پس از ورود جمعی از اولین گروه هسته بسیج گر (تجار) در شب سه شنبه ۲۵ تیر ۱۲۸۵ ش در سفارت، خاطرشان از امنیت جان و مالشان آسوده شد و تحت تاثیر دو نفر از کارمندان سفارت و با همفکری روشنفکران، فرایند بسیج توده‌ای را با طرح مطالباتی فراتر از مصونیت جان و مالشان آغاز نمودند (کرمانی، ۱۳۴۶: ۲۷۱-۲۷۰). در اولین قدم، در تاریخ پنجشنبه بیست و هفتم تیر ماه ۲۶ جمادی الاول نزدیک پنجاه تن از بازرگانان و طلبه‌ها را راهی سفارت نمودند (کسروی، ۱۳۴۹: ۱۱۰ و کاتوزیان، ۱۳۷۹: ۱۸۷).

در پی ورود نخستین گروه پنجاه نفری به سفارت، کسروی فرایند تدریجی ورود و بسیج توده‌ای ملت را این گونه توضیح می‌دهد: «فردا کسان دیگری نیز آمدند و مردم چون دیدند جلوگیری نمی‌شود، رو آوردند. هر گروهی از پیشه‌وران برای خود چادر دیگر در حیاط سفارت افراشتند و از بازار دیگ‌های دسته دار بزرگی (قازان) آورده و آشپزخانه درست کردند... روز دوشنبه سی و یکم تیر ماه شماره شان تا ۸۵۸ تن می‌بود، ولی سه روز دیگر تا پنج هزار رسید، و چهار روز دیگر تا سیزده هزار بالا رفت و بازارها به یک باره بسته گردید» (کسروی، ۱۳۴۹: ۱۱۰).

فزون‌ی جمعیت به حدی می‌رسد که هاشم محیط مافی می‌نویسد: «کار به جایی رسید که در سفارت محلی باقی نماند. در اطراف سفارتخانه چند محل را اجاره کرده، جمعیت را سکنی دادند» (محیط مافی، ۱۳۶۳: ۹۶). بنا به گزارش‌های موجود در تاریخ ۱۱ جمادی الثانی ۱۳۲۴ / ۲ اوت ۱۹۰۶، تعداد متحصنین به ۱۴ هزار نفر هم می‌رسد. هر صنف در محوطه سفارت، چادر مخصوص خود را دارد و غذا در یک آشپزخانه مشترک پخته می‌شود و میان چادرها تقسیم می‌گردد. پرداخت عمده هزینه‌ها با تجار بود، به خصوص: حاج محمد حسن امین‌الضرب، حاج محمد تقی معین‌التجار بوشهری، حاجی محمد اسماعیل آقا تبریزی و ازبای جمشید (مارتین، ۱۳۸۲: ۷۱).

تجار بزرگ در تحصن شرکت نکرده و عاقلانه دیدند که تنها با حمایت خود از طریق برادران بنکدار و با فراهم کردن منابع فایده‌مندانه (پول) ارتباط خود را با بست نشینان حفظ کنند. ناگفته نماند که تجار بزرگ حمایت‌های مادی خود را از علمای مهاجر به قم هم دریغ نکردند (بهرامی، ۱۳۶۳: ۷۵). وضعیت انقلابی در دیگر شهرهای ایران هم سایه‌انداخته بود و «سبب شده که به تبریز و رشت و اصفهان و شیراز و مشهد هم سرایت کرده، در تمام شهرهای کوچک اغلب بازارها بسته و هر جا قسولخانه انگلیس بوده به تقلید

مرکز در قونسول خانه‌ها متحصن شده و علمای بلاد همه حاضر گردیده‌اند که با مرکز موافقت کنند (سیاح، ۱۳۴۶: ۵۶۰).

هسته بسیج گر انقلابی در این مرحله از کنش جمعی‌اش به شکل تحصن در سفارتخانه انگلیس تمامی منابع در اختیارش را برای رسیدن به مقاصدش بسیج کرده و با توجه به توان بالای داخلی و موقعیت مناسبی که از حمایت‌های خارجی (دولت انگلیس) در اختیار داشت خواستار مطالبه جدیدی شد که تا قبل از این مرحله طی هشت ماه مبارزه‌اش خواهان آن نبوده است. به این ترتیب بار دیگر کنش جمعی واکنشی انقلابیون که در اثر ظلم و تعدیات حاکم تهران و صدر اعظم به صورت هجرت به قم و تحصن در سفارت انگلیس بروز کرده بود، با کنشی نو خواهانه تکمیل شد و آن مطالبه مجلس شورای ملی در صدر خواسته‌های انقلابیون بود و انقلابیون پایان دادن فرایند بسیج‌گری‌شان را مشروط به پذیرش این شرط از سوی حکومت می‌دانستند (تقوی، ۱۳۸۴: ۶۵-۵۴).

انواع بسیج در جنبش مشروطه

چارلز تیلی معتقد است در هر کنش جمعی انقلابی، گروه‌ها بنا بر موقعیتی که دارند به نوع خاصی از سه نوع بسیج تدافعی، تهاجمی و تدارکی مبادرت می‌ورزند. «در بسیج تدافعی تهدیدی از خارج، گروه را وامی‌دارد که منابع خود را برای جنگ با دشمن فراهم آورند» (تیلی، ۱۳۸۵: ۱۱۱)؛ «در بسیج تهاجمی، یک گروه در عکس العمل نسبت به فرصت‌های فراهم آمده برای تحقق منافع خود به گردآوردن منابع می‌پردازد» (تیلی، ۱۳۸۵: ۱۱۲)؛ در بسیج تدارکی «گروه با پیش بینی فرصت‌ها و تهدیدهای آینده به انباشت و ذخیره سازی منابع می‌پردازد» (تیلی، ۱۳۸۵: ۱۱۲). در جنبش مشروطیت از

تعاریف یاد شده انواع بسیج گری، دو نوع بسیج تدافعی و تهاجمی قابل مشاهده است.

بسیج تدافعی در انقلاب مشروطه

با توجه به مطالبات گروه‌های انقلابی در طول مبارزات و با تامل بر روی انگیزه‌ها و یا علل چالش‌گری آن‌ها در فرایند بسیج، برخی از اقدامات بسیج‌گرایانه گروه‌های انقلابی را می‌توان بسیج تدافعی دانست؛ چرا که این گروه‌ها تهدیدهایی از خارج علیه منافعی را حس کرده و در مقابله با این تهدیدات منابع خود را بسیج می‌نمودند. تجار و بازرگانان به عنوان حامیان منابع مالی جنبش، وضعیت اقتصادی حاکم بر کشور را که توسط دولت استعماری روسیه اداره می‌شد به عنوان تهدیدی علیه منافع خود تلقی می‌نمودند (اشرف، ۱۳۵۹: ۱۱۳ و کرمانی، ۱۳۴۶: ۵۴-۵۳ و بهبهانی، ۱۳۸۷: ۱۱۸ و آفاری، ۱۳۷۹: ۵۷).

از طرف دیگر قاجارها از نیمه دوم قرن نوزدهم میلادی در راستای به وجود آوردن حکومتی قدرتمند، تلاش می‌کردند تا دیگر نهادهای غیردولتی در جامعه را از طریق اقدامات سرکوبگرانه محدود کنند. نهاد روحانیت به عنوان تنها نهاد مستقل غیردولتی قدرتمند بود که حکومتی خواست از طریق اقداماتی سرکوب‌گرایانه از قدرت مضاعفش بکاهد (موسوی، ۱۳۸۶: ۹۷ و زاهد، ۱۳۸۱: ۱۳۳). بنا به ادعای لمبتون طرح‌های مختلفی همچون: محدود کردن حق بست نشینی، کاستن از شمار قضاوت‌های شرعی، اعمال کنترل‌های وقت و بی وقت بر درآمد اوقاف، کم کردن درآمد علما و گسترش نظام آموزشی دنیاگرایانه اقداماتی بود که اعتراضات روحانیون را برانگیخته و باعث

شد که به عنوان تهدیدی علیه خود، دست به بسیج تدافعی بزنند (زاهد، ۱۳۸۱: ۱۳۴-۱۳۳ و فوران، ۱۳۷۷: ۲۶۰).

بسیج تهاجمی در انقلاب مشروطه

فراز و فرود بسیج تهاجمی در مقایسه با بسیج تدافعی بیشتر است؛ زیرا در بسیج تهاجمی گروهها در واکنش به فرصت‌های پیش آمده منابع خود را برای تحقق مطالبات‌شان بسیج می‌کنند. باز شدن فضای سیاسی و اجتماعی کشور پس از ترور ناصرالدین شاه، بحران اقتصادی به شکل تورم حاد، موفقیت انقلابیون در هجرت صغری، رقابت‌های دولت‌های استعمارگر بویژه روسیه و انگلیس به علاوه رخداد وقایعی چون به چوب بستن تجار توسط حاکم تهران (کسروی، ۱۳۴۹: ۵۸-۵۹) و قتل سید عبدالحمید (کسروی، ۱۳۴۹: ۹۹-۹۵)، که به عنوان عواملی شتابزا در اختیار هسته بسیج گر قرار گرفت، از لحاظ وضعیت عینی و ذهنی برای رهبران جنبش و ملت، فرصت‌های مناسبی برای چالشگری با حکومت و طرح خواسته‌هایی جدید (مانند عدالتخانه و مجلس شورا) ارزیابی شد و به این ترتیب بسیج تهاجمی انقلابیون شکل گرفت؛ یعنی آنکه انقلابیون با توجه به فرصت پیش آمده تمام منابع خود را در جهت تحقق خواسته‌های جدیدشان بسیج کردند.

شناسایی عناصر بخش دوم مدل بسیج در انقلاب مشروطه

در نظریه بسیج منابع، چگونگی پیدایش و توسعه کنش‌های جمعی صرفاً متأثر از متغیرهای منافع، سازمان و بسیج منابع نمی‌باشد زیرا این‌ها عوامل درون سازمانی بوجدآورنده کنش جمعی هستند که توان یا ظرفیت درونی سازمان‌ها را برای اقدام جمعی نشان می‌دهند (تیلی، ۱۳۸۵: ۱۴۷). هر کنش

جمعی علاوه بر موارد یاد شده به شدت از متغیر دیگری به نام فرصت تاثیر می‌پذیرد که بخش دوم مدل بسیج منابع را شکل می‌دهد و تیلی از آن و عناصر سازنده اش (سرکوب/ تسهیل، قدرت و فرصت/ تهدید) با عنوان عناصر برون سازمانی کنش جمعی نام می‌برد (تیلی، ۱۳۸۵: ۱۷۰-۱۶۰).

فرصت / تهدید

در جنبش مشروطه کنش جمعی اعتراضی انقلابی در شرایطی رخ داد که فرصت‌های بسیار خوبی برای تحقق منافع و خواست‌های انقلابیون بوجود آمده بود. منظور از فرصت، حاصل شدن وضعیتی است که گروه‌های مدعی قدرت مبتنی بر آن وضعیت، شرایط مهیا را برای تحقق منافعشان مناسب ارزیابی می‌کنند (تیلی، ۱۳۸۵: ۱۱۲ و ۱۹۶). مجموعه اقدامات و حوادث داخلی و خارجی از سال ۱۲۷۵ تا سال ۱۲۸۴ شمسی بوجود آورنده وضعیتی بود که هسته‌های بسیج گر انقلابی آن شرایط را به عنوان فرصت‌هایی مناسب تلقی نمودند. تا قبل از سلطنت مظفرالدین شاه چنین فرصتی وجود نداشت. ایران در چنبره استبداد نیم قرنه ناصرالدین شاهی گرفتار شده و تمام راه‌های تنفسی ملت مسدود شده بود. اما با کشته شدن ناصرالدین شاه و جایگزینی او با فرزند پیر و رنجورش، فرصتی تاریخی برای انقلابیون پیش آمد که آنان به خوبی از آن استفاده کردند. در اینجا این فرصت‌ها را بر می‌شماریم:

۱- باز شدن فضای سیاسی و اجتماعی کشور از سال ۱۲۷۵ ش/ ۱۸۹۶م: با کشته شدن ناصرالدین شاه و آغاز پادشاهی مظفرالدین شاه در سال ۱۲۷۵ ش/ ۱۸۹۶م (آبراهامیان، ۱۳۷۷: ۹۶).

۲- بحران اقتصادی به شکل تورم حاد از اوایل سال ۱۲۸۴ ش/ ۱۹۰۵م: افزایش سریع قیمت مواد غذایی مورد نیاز در سه ماهه اول سال

۱۲۸۴ش/۱۹۰۵م شدت نارضایتی‌ها را در جامعه دو چندان نمود (آبراهامیان، ۱۳۷۷: ۱۰۴).

۳- موفقیت انقلابیون در اولین مرحله بسیج‌گری‌شان در هجرت صغری: گروه‌های انقلابی در اولین کنش جمعی‌شان پس از تحمل یک ماه توانسته بودند حکومت را در پذیرش مطالبات‌شان مجاب کنند (معمار، ۱۳۸۶: ۲۱۸ - ۲۱۲).

۴- رقابت‌های دولت‌های استعمارگر بویژه روسیه و انگلیس در استیلای هر چه بیشتر بر ایران: در سالهای منتهی به جنبش مشروطیت، رقابت‌های دولت‌های انگلیس و روسیه در تصاحب ایران مبتنی بر دلایل متعددی به نفع روسیه رقم می‌خورد (اشرف، ۱۳۵۹: ۱۱۵-۱۱۴). دولت انگلیس برای تغییر این وضعیت در مرحله دوم بسیج‌گری انقلابیون، درهای سفارتخانه و کنسولگری‌هایش در سراسر ایران را به روی انقلابیون گشود (فوران، ۱۳۷۷: ۲۸۳).

سرکوب / تسهیل در انقلاب مشروطه

ستیز برای کسب قدرت همواره دربردارنده دست کم دو طرف است. رفتار طرف دوم، دامنه‌ای از سرکوب تا تسهیل را در بر می‌گیرد. تیلی این مفاهیم را این گونه تعریف می‌کند: «سرکوب هرگونه کنشی توسط گروه دیگر است که هزینه کنش جمعی مدعی را افزایش می‌دهد. کنشی که هزینه کنش جمعی یک گروه را کاهش دهد شکلی از تسهیل است. اگر طرف دیگر یک حکومت باشد سرکوب یا تسهیل را سیاسی می‌نامیم» (تیلی، ۱۳۸۵: ۱۷۱).

در جنبش مشروطه واکنش‌های رژیم در مقابل بسیج‌گری یا کنش جمعی مخالفین در پیگیری مطالبات‌شان در تمام مراحل مبارزه آن‌ها آمیزه‌ای از سرکوب و تسهیل بود. به طوری که در طول هشت ماه مبارزه، حکومت در

برخی مواقع واکنش‌هایی نشان می‌داد که هزینه‌های کنش جمعی و بسیج‌گری مخالفین را کاهش می‌داد و در برخی موارد هزینه‌ها را افزایش می‌داد که در مجموع اقدامات تسهیل‌گر از سوی شاه و دربار بیشتر از اقدامات سرکوب‌گرایانه دولت و شخص صدر اعظم بود.

با شروع فرایند بسیج‌گری از سوی انقلابیون به شکل کنش جمعی مهاجرت و تحصن در حرم حضرت عبدالعظیم، شاه پس از شنیدن درخواست‌های آن‌ها اعلام کرد به متحصنین اطلاع دهند که مطالبات آنان را می‌پذیرد (کرمانی، ۱۳۴۶: ۱۲۲)، اما صدراعظم وقت هرگز حاضر به اجرا کردن مطالبات نشد و سعی نمود تا ضمن ایجاد تفرقه میان رهبران و ملت و همچنین اعلام حکومت نظامی، زندانی و تبعید نمودن برخی از شخصیت‌های بسیج‌گر، جامعه را از وضعیت انقلابی خارج کند (کسروی، ۱۳۴۹: ۷۲-۶۸). سرکوب مجدد از سوی نیروهای دولتی طی سه روز در مسجد جامع موجب شد تا رهبران دینی جنبش تصمیم به مهاجرت کبری گرفته و ملت هم به سفارتخانه انگلیس پناهنده شوند و با ارتقاء مطالبات خویش، صریحاً خواهان مشروطه شدن نظام استبدادی با برپایی مجلس شورای ملی شوند. در این ایام، حاکمیت و دستگاه سرکوب در نحوه کنترل بسیج شدگان دچار اختلاف و چندگانگی شدند که موجب ضعف دستگاه سرکوب شد (معمار، ۱۳۸۶: ۲۲۹). ناکارآمدی دستگاه سرکوب در تحصن ۱۴ هزار نفری سفارت انگلیس هم به وضوح قابل رویت است (کسروی، ۱۳۴۹: ۱۱۳ و کرمانی، ۱۳۴۶: ۲۹۸).

واکنش‌های مظفرالدین شاه در مقابل مشروطه خواهان تا حد زیادی فرآیند بسیج‌گری و کنش جمعی مشروطه خواهان را تسهیل نمود و موجب ناکارآمدی دستگاه سرکوب گردید (خلیلی، ۱۳۷۸: ۸۷-۸۴). در این شرایط بود که مظفرالدین شاه، صدراعظم وقت (عین‌الدله) را برکنار نمود و سپس

فرمان تاسیس مجلس شورای ملی را در مرداد ۱۲۸۵ ش پس از یک ماه تحصن مشروطه خواهان در سفارت خانه انگلیس صادر نمود (کرمانی، ۱۳۴۶ : ۳۱۰ و کسروی، ۱۳۴۹ : ۱۱۸).

نتیجه گیری

در این مقاله سعی شد با استفاده از مدل نظری بسیج چارلز تیلی و بر مبنای مفاهیم نظری گنجانده شده در این مدل چگونگی فرآیند بسیج گروه‌های مختلف در انقلاب مشروطه را تحلیل نمایم. ابتدا گروه‌های مختلف انقلابی بسیج گر (روشنفکران، روحانی و بازاریان) را بررسی نمودیم. روشنفکران با اهدافی چون برچیدن نظام استبدادی که مجالی برای ورود آنها به عرصه‌های سیاسی و اجتماعی نمی‌داد و برپایی نظامی دموکرات از طریق ایجاد نهاد مجلس شورای ملی؛ بازاریان با اهدافی چون قطع حضور و تسلط نیروهای خارجی بر اقتصاد کشور و ایجاد نهادهایی برای رسیدگی به شکایاتشان؛ و روحانیون مبتنی بر پایگاه اجتماعی و در نظر داشتن وظایف اعتقادی و دینی خویش با اهدافی چون بهبود اوضاع معیشتی فلاکت بار مردم، پایان بخشیدن به ظلم بی حد و حصر کارگزاران حکومتی، دفاع از حقوق شهروندان در برابر بی عدالتی‌های حاکم بر کشور؛ دست به ائتلاف زده و با شناسایی دشمنان مشترکشان یعنی نظام سیاسی استبدادی و استعمار پذیر قاجاریه، راه برون رفت از این وضعیت را تاسیس عدالت خانه و مجلس نمایندگان ملت در کشور دانستند.

گروه‌های مختلف بسیج گر با تشکیل دادن سه سازمان مخفی جامع آدمیت، انجمن ملی (کمیته انقلابی) و انجمن مخفی طی مراحل مختلف بسیج گریشان، کنش‌های جمعی انقلابی خویش را پیگیری نمودند. روشنفکران به

عنوان آگاهان ملت با در اختیار گذاردن دانش سیاسی و اجتماعی خویش مطالبات اصلی انقلابیون (عدالت خانه و مجلس شورای ملی) را تنظیم نمودند. مسئولیت تامین هزینه‌های مالی مشروطه خواهان توسط بازاریبان انجام شد. روحانیون و علما با در اختیار داشتن منابع مادی و معنوی نقش بسزایی در پیشبرد انقلاب ایفا نمودند. چنان چه حمایت‌های مالی و معنوی ایشان نمی‌بود امکان توسعه و پیروزی انقلاب ممکن نمی‌بود. فرایند بسیج منابع در مشروطه به شکل تکوینی طی دو مرحله انجام گرفت و منجر به دو کنش جمعی شد. در مرحله اول بسیج گری علی رغم مخالفت‌های صدراعظم (عین الدوله) مقاصد انقلابیون که در راس آن تاسیس عدالت خانه قرار می‌گرفت به پیروزی منتهی شد. تاخیر در انجام مقاصد انقلابیون و همچنین اعمال سیاست‌های سرکوب گرایانه از سوی دولت موجب شکل گیری دومین مرحله از بسیج گری انقلابیون شد که منجر به کنش جمعی به شکل مهاجرت در قم و بست نشینی در سفارت خانه انگلیس شد.

در این مرحله از مبارزه، هسته‌های بسیج گر با ارتقای مطالباتشان از مجلس عدالت خانه به مجلس شورای ملی، تمامی منابع تحت اختیارشان را برای رسیدن به پیروزی یعنی تحقق هدف مذکور بسیج نمودند. از طرف دیگر حمایت دولت انگلیس در همراهی با مشروطه خواهان، سرکوب ناکارآمد دولت مظفری به اضافه خلل در دستگاه سرکوب به دلیل شکاف میان هیئت حاکمه (دعاوی میان صدراعظم و ولیعهد) از یک سو، همدلی و همراهی بخشی از قوای سرکوب با مشروطه خواهان (سربازان و افسران عالی رتبه) از سوی دیگر و همچنین مساعدت‌های مظفرالدین شاه با مطالبات مشروطه خواهان در طول فرایند بسیج، هزینه‌های بسیج گری و کنش جمعی انقلابیون را کاهش داد و پیروزی مشروطه خواهان در ۱۴ مرداد ۱۲۸۵ رقم خورد.

منابع

- آبراهامیان، یرواند. (۱۳۷۷). ایران بین دو انقلاب: درآمدی بر جامعه‌شناسی سیاسی ایران معاصر. ترجمه: احمد گل محمدی و محمد ابراهیم فتاحی ولیلایی. تهران: نشر نی.
- آجودانی، لطف الله. (۱۳۸۶). روشنفکران ایران در عصر مشروطیت. تهران: اختران.
- آجودانی، ماشاالله. (۱۳۸۲). مشروطه ایرانی. تهران: اختران.
- آدمیت، فریدون. (۱۳۴۰). فکر آزادی و مقدمه نهضت مشروطه. بی‌جا: سخن.
- _____، فریدون. (۱۳۵۵). ایدئولوژی نهضت مشروطیت ایران. تهران: پیام، روشنگران.
- آفاری، ژانت. (۱۳۷۹). انقلاب مشروطه ایران (۱۹۰۶-۱۹۱۱). ترجمه: رضا رضایی. تهران: نشر بیستون.
- اتحادیه (نظام مافی)، منصوره. (۱۳۶۱). پیدایش و تحول احزاب سیاسی مشروطیت (دوره اول و دوم مجلس شورای ملی). تهران: نشر گستره.
- اشرف، احمد. (۱۳۵۹). موانع تاریخی رشد سرمایه داری در ایران: دوره قاجاریه. تهران: انتشارات زمینه.
- انصاری رنانی، قاسم و کرمانی، قنبر علی. (۱۳۸۰). تجارت در دوره قاجاریه. تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی.
- ایوانف، الکسوویچ. (۱۳۵۷). انقلاب مشروطیت ایران. ترجمه آذر تبریزی. تهران: انتشارات شاهرضا.

- بشیریه، حسین. (۱۳۷۴). *جامعه‌شناسی سیاسی؛ نقش نیروهای اجتماعی در زندگی سیاسی*. تهران: نشر نی.
- بریتون، کرین. (۱۳۷۴). *کالبد شکافی چهار انقلاب*. ترجمه: محسن ثلاثی، تهران: نشر نو
- بهبهانی، شهریار. (۱۳۸۷). *زندگی سیاسی و اجتماعی سید عبدالله بهبهانی از رهبران مشروطیت*. تهران: نشر امید فردا.
- بهرامی، عبدالله. (۱۳۶۳). *خاطرات عبدالله بهرامی از سلطنت ناصرالدین شاه تا اول کودتا*. بی جا: علمی.
- بهشتی سرشت، محسن. (۱۳۸۰). *نقش علما در سیاست از مشروطه تا انقراض قاجار*. تهران: انتشارات پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی.
- بیات، عزیز الله. (۱۳۵۷). *تاریخ مختصر ایران*. تهران: انتشارات دانشگاه ملی ایران. (دانشگاه شهید بهشتی).
- پناهی، محمد حسین. (۱۳۸۹). *نظریه‌های انقلاب: وقوع، فرآیند و پیامدها*. تهران: سمت.
- ترابی فارسانی، سهیلا. (۱۳۸۴). *تجار، مشروطیت و دولت مدرن*. تهران: نشر تاریخ ایران.
- تقوی، مصطفی. (۱۳۸۴). *فراز و فرود مشروطه*. تهران: موسسه تاریخ معاصر ایران.
- تکمیل همایون، ناصر. (۱۳۸۳). *از جنبش عدالت خواهی تا مشروطیت در «مشروطه خواهی ایرانیان»*. تهران: انتشارات مرکز بازشناسی اسلام و ایران (باز) جلد اول.
- تیلور، استن. (۱۳۸۸). *انقلاب‌ها و علوم اجتماعی*. ترجمه: علی مرشدی زاد. تهران: انتشارات دانشگاه شاهد.

- تیموری، ابراهیم. (۱۳۳۲). **عصر بی خبری یا تاریخ امتیازات در ایران**. تهران: انتشارات اقبال.
- تیلی، چارلز. (۱۳۸۵). **از بسیج تا انقلاب**. ترجمه: علی مرشدی زاد. تهران: پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی.
- جواهری، مریم. (۱۳۸۰). **نقش علما در انجمن‌ها و احزاب دوران مشروطیت**. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- خرمشاد، محمد باقر. (۱۳۸۳). **بازتاب انقلاب اسلامی ایران در نظریه‌های انقلاب: تولد و شکل‌گیری نسل چهارم تئوری‌های انقلاب**. مجله **جامعه‌شناسی ایران**. دوره ۵. شماره ۳.
- خلیلی، محسن. (۱۳۷۸). مقاله «پادشاه ناتوان و پیروزی انقلاب مشروطیت، نگاهی به شخصیت مظفرالدین شاه قاجار»، در «**مجموعه مقالات نهضت مشروطیت ایران**». تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
- دلاوری، ابوالفضل. (۱۳۷۵). **طرحی برای مطالعه زمینه‌ها و علل اجتماعی وقوع انقلاب اسلامی ایران**. فصلنامه راهبرد. شماره ۹.
- دولت‌آبادی، یحیی. (۱۳۶۱). **حیات یحیی**. تهران: فردوسی.
- رائین، اسماعیل. (۱۳۴۵). **انجمن‌های سری در انقلاب مشروطیت ایران**. تهران: انتشارات زوار.
- رضوانی، محمد اسماعیل. (۱۳۶۲). **انقلاب مشروطیت ایران**. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- رهبری، هادی. (۱۳۸۷). **تجار و دولت در عصر قاجار (از همزیستی تا رویارویی)**. تهران: کویر.
- زاهد، سعید. (۱۳۸۱). **جنبش‌های اجتماعی معاصر ایران**. تهران: انتشارات سروش و کتاب‌طه.

- سمتی، هادی. (۱۳۷۵). نظریه بسیج منابع و انقلاب اسلامی ایران، مجله دانشکده و حقوق علوم سیاسی دانشگاه تهران. شماره ۳۵.
- سیاح، محمد علی بن محمد رضا. (۱۳۴۶). **خاطرات حاج سیاح یا دوره خوف و وحشت، گردآورنده: حمید سیاح، مصحح: سیف الله گلکار.** تهران: ابن سینا.
- شریف کاشانی، محمد مهدی. (۱۳۶۲). **واقعات اتفاقیه در روزگار.** گردآورندگان: منصوره اتحادیه (نظام مافی) و سیروس سدوندیان. تهران: نشر تاریخ ایران.
- شیرالی، فاطمه. (۱۳۸۴). **انجمن‌های تهران در عصر مشروطیت.** تهران: باران اندیشه.
- صفایی، ابراهیم. (۱۳۴۴-۱۳۴۶). **رهبران مشروطه: مشتمل بر ۲۴ بیوگرافی و شرح جالب و شگفت‌انگیز کلیه حوادث و وقایع نهضت مشروطه ایران، تهران: جاویدان علمی.**
- فوران، جان. (۱۳۷۷). **مقاومت شکننده: تاریخ تحولات اجتماعی ایران از سال ۱۵۰۰ میلادی مطابق با ۸۷۹ شمسی تا انقلاب.** ترجمه: احمد تدین. تهران: موسسه خدمات فرهنگی رسا.
- کاتوزیان، محمد علی همایون. (۱۳۷۹). **اقتصاد سیاسی ایران: از مشروطیت تا پایان سلسله پهلوی.** ترجمه: محمد رضا نفیسی و کامبیز عزیزی. تهران: نشر مرکز.
- کاتوزیان، محمد علی همایون. (۱۳۸۰). **تضاد دولت و ملت: نظریه تاریخ و سیاست در ایران.** ترجمه: علیرضا طیب. تهران: نشر نی.
- کاتوزیان، محمد علی. (۱۳۷۹). **تاریخ انقلاب مشروطیت ایران.** تهران: شرکت سهامی انتشار.

- کرمانی، ناظم الاسلام. (۱۳۴۶). **تاریخ بیداری ایرانیان**. به اهتمام علی اکبر سعیدی سیرجانی. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- کسروی، احمد. (۱۳۴۹). **تاریخ مشروطه ایران**. تهران: امیرکبیر.
- گلدستون، جک. (۱۳۸۵). **انقلاب‌ها**. ترجمه محمد تقی دلفروز، تهران: انتشارات کویر.
- لمبتون، آ. ک. س. (۱۳۴۵). **انجمن‌های سری در انقلاب مشروطیت ایران**. ترجمه: اسماعیل رایین. تهران: انتشارات زوار.
- مارتین، ونسا. (۱۳۸۲). «حوادث و رخدادها» در مجموعه مقالات **ایرانیکا**. تالیف گروه نویسندگان. ترجمه: پیمان متین. تهران: امیرکبیر.
- محیط مافی، هاشم. (۱۳۶۳). **مقدمات مشروطیت**. به کوشش جواد تفرشی و جواد جان فدا. تهران: انتشارات علمی.
- مروارید، یونس. (۱۳۷۷). **از مشروطه تا جمهوری**. نگاهی به ادوار **مجالس قانون گذاری در دوران مشروطیت**. تهران: نشر اوحدی.
- ملک زاده، مهدی. (۱۳۶۳). **تاریخ انقلاب مشروطیت ایران**. تهران: علمی.
- موسوی، محمد. (۱۳۸۶). **دین و دولت در ایران معاصر**. قزوین: حدیث امروز.
- مومنی، باقر. (۱۳۷۲). **دین و دولت در عصر مشروطیت**. آلمان: انتشارات باران.
- میرسپاسی، علی. (۱۳۸۴). **تاملی در مدرنیته ایرانی (بحثی درباره گفتمان‌های روشنفکری و سیاست مدرنیزاسیون در ایران)**. ترجمه: جلال توکلیان. تهران: طرح نو.

هانت، لین. (۱۳۸۸). مقاله «کنش جمعی چارلز تیلی» در کتاب *پیش و روش در جامعه شناسی تاریخی*. تدا اسکاچپول. ترجمه: سیدهاشم آفاجری. تهران: نشر مرکز.

- Abrahamian, Ervand. (1982). *Iran Between Two Revolutions*. Princeton University Press.

- Bayat, Mangol. (1991). *rrssss Fisst Rvll iii nn: hhi'imddd tee Constitutional Revolution of 1905 – 1909, Studies in Middle Eastern History*. Oxford University Press.

- Bentham, D. (1992). *The Legitimizing of Power*. London: Macmillan.

- Browne, Edward G. (July 1995). *The Persian Revolution of 1905-1909*. □□□□ □□□□□□□□□□.

- Afary, Janet. (1996). *The Iranian Constitutional Revolution, 1906-1911*. □□□□□□□□ □□□□□□□□□□ □□□□□.

- Foran, John. (Dec 1991). "The Strengths and Weaknesses of Iran's Populist Alliance: A Class Analysis of the Constitutional Revolution of ۱۹۰۵-۱۹۱۱□, □□□□□□ □□□ □□□□□□□□. □□□. ۲۰, □□. ۶.

پرتال جامع علوم انسانی